مهدی عجل الله تعالی فرجه

در روایت ها


بسم الله الرحمن الرحيم

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روایت ها

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مشخص نشده است.

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روایت ها

مشخصات کتاب

اسامی مقدس حضرت مهدی در کتب مذهبی اهل ادیان

اشاره

اینک قسمتی از اسامی مبارک آن حضرت را که با الفاظ مختلفی در بسیاری از کتب مذهبی اهل ادیان و ملل مختلف جهان آمده است، از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم.۱ ـ «صاحب» در صحف ابراهیم(علیه السلام)۲ ـ «قائم» در زبور سیزدهم؛۳ ـ «قیدمو» در تورات به لغت ترکوم؛۴ ـ «ماشیع» (مهدی بزرگ) در تورات عبرانی؛۵ ـ «مهمید آخر» در انجیل؛۶ ـ «سروش ایزد» در زمزم زرتشت؛ ۷ ـ «بهرام» در ابستاق زند و پازند؛۸ ـ «بنده یزدان» هم در زند و پازند؛۹ ـ «لند بطاوا» در هزار نامه هندیان؛ ۱۰ ـ «شماخیل» در ارماطس؛ ۱۱ ـ «خورانـد» در جاویدان؛۱۲ ـ «خجسته» (احمد) در کندرال فرنگیان؛۱۳ ـ «خسرو» در کتاب مجوس؛۱۴ ـ «میزان الحق» در کتاب اثری پیغمبر؛۱۵ ـ «پرویز» در کتاب برزین آذر فارسیان؛۱۶ ـ «فردوس اکبر» در کتاب قبروس رومیان؛۱۷ ـ «کلمةُ الحقّ» در صحیفه آسمانی؛۱۸ ـ «لِسانِ صدق» هم در صحیفه آسمانی؛۱۹ ـ «صمصام الاکبر» در کتاب کندرال؛ ۲۰ ـ «بقیة اللّه» در کتاب دوهر؛ ۲۱ ـ «قاطع» در کتاب قنطره؛۲۲ ـ «منصور» در کتاب دید براهمه؛۲۳ ـ «ایستاده» (قائم) در کتاب شاکمونی؛۲۴ ـ «ویشنو» در کتاب ریگ ودا؛۲۵ ـ «فرخنده» (محمّد) در کتاب وشن جوک؛۲۶ ـ «راهنما» (هادی و مهدی) در کتاب پاتیکل؛۲۷ ـ «پسر انسان» در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)۲۸ ـ «سوشیانس» در کتاب زند و هومو من یسن، از کتب زردتشیان؛۲۹ ـ در کتاب «شابوهرگان» کتاب مقدس «مانویه» ترجمه «مولر» نام «خود شهر ایزد» آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند، و عدالت را در جهان آشکار سازد؛ ۳۰ ـ «فیروز» (منصور) در کتاب شعیای پیامبر.علاوه بر این ها اسامی دیگری نیز برای حضرت مهدی(علیه السلام)در کتب مقدّسه اهل ادیان ذکر شده است که ما به جهت اختصار از نقل آنها خودداری نمودیم.اسامی مقدّسی چون: «صاحب، قائم، قاطع، منصور و بقیة اللّه» که در کتب مذهبی ملل مختلف آمده است، از القاب خاصّ وجود مقدّس حضرت حجّت بن الحسن العسکری ـ عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف ـ است که در بیشتر روایات اسلامی، به آنها تصریح شده و ائمّه معصومین(علیهم السلام) در اکثر روایات، از آن حضرت به عنوان «صاحب»، «قائم» و «بقیة اللّه» یاد کرده اند. و این خود بیانگر این واقعیّت است که موعود همه اُمّتها و ملّتها همان وجود مقدّس منتظر غایب، حضرت حجّت بن الحسن العسکری (علیه السلام) است.

ادیان و نوید ظهور موعود

چنان که در بحثهای گذشته آمد، مسأله ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در آخر الزمان و پایان دادن به ظلم و ستمها از مسایل اساسی ادیان و اسلام است، و تمامی ادیان و مذاهب گوناگونی که در روی کره زمین حکومت می کنند، وقوع حتمی و قطعی آن را خبر داده اند.بر اساس تعالیم انبیا و نویدهای کتب آسمانی، علیرغم عوامل بدبینی بیشماری که نسبت به آینده بشر در جهان دیده می شود، اوضاع کنونی جهان قابل دوام نیست، و دیر یا زود گردونه زمان به نفع محرومان خواهد چرخید، و چهره جهان دگرگون خواهد شد، و مفاسد اجتماعی و کشمکشهای کنونی جای خود را به آرامش و امنیّت خواهد داد. مطابق وعده های انبیا و نویدهای کتب آسمانی، چشم انداز آینده جهان و سرنوشت بشر روشن است.نگاهی کوتاه به کتابهای مذهبی اهل ادیان این امر را به خوبی نشان می دهد که وقتی جهان دچار فتنه و آشوب گردد و آتش ظلم و بیدادگری همه جهان را فراگیرد، و جنگهای خانمان سوز و ویرانگر مردمان جهان را به ستوه آورد و زمامداران جهان از اداره اُمور کشورها عاجز و ناتوان گردند و برای خاموش کردن آتش

فتنه ها و جنگها راه چاره ای نیابند، در چنین موقعیّت حساس و بحرانی یک مصلح بزرگ جهانی، با اتّکا به قدرت لایزال الهی قیام خواهد کرد، و به یک اصلاح عمومی در تمام جهان دست خواهد زد و زورگویان، زورمداران و قدرت طلبان افسار گسیخته عالم را سر جای خود خواهد نشاند و به همه بدبختیها و تیره روزی ها و گرفتاری های بشریّت خاتمه خواهد داد.خوشبختانه هنگامی که به ادیان آسمانی مراجعه می کنیم، کتب آسمانی را سراسر مملوّ از امید، و سرشار از نویدهای بهروزی و وعده های ظهور آن «مصلح جهانی» می بینیم، و شاید برای برخی کمی تعجّب آور باشد که در تمام ادیان و مذاهب بزرگ جهان، اعم از وثنیت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت و آیین مبین اسلام... از مصلحی که در پایان جهان ظهور خواهد کرد و به جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را، بر اساس عدالت و آزادی بنیان خواهد نهاد، گفتگو شده و برتر و بالاتر از همه، نوید ظهور آن مصلح بزرگ جهان، به خصوص در اسلام و قرآن نیز، به صورتی جامع تر، کامل تر، عمیق تر و جدی تر، مطرح شده است.و جای بسی خرسندی است که اکثریّت قریب به اتّفاق نویدهایی که در رابطه با ظهور (مصلح بزرگ جهانی) در کتابهای آسمانی آمده است ـ اگر نگوییم همه آنها ـ تنها با وجود مقدّس مهدی موعود(علیه السلام)، آخرین بازمانده حجت الهی از امامان معصوم شیعه مطابقت دارد.آری ای عزیزا! نویدهای مصلح بزرگ جهانی و بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) علاوه بر قرآن مجید در تمام کتب مذهبی اهل ادیان مانند: کتاب زند، کتاب جاماسب، کتاب شاکمونی، کتاب جوک، کتاب دیدبراهمه، کتاب باسک، کتاب پاتیکل، کتاب دادنگ، کتاب ضفینای نبی، کتاب اشعیاء، کتاب وحی کودک، کتاب حُکی نبی، کتاب مکاشفات یوحنای لاهوتی، کتاب دانیال نبی، انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، و سایر کتابها و الواح ذکر شده، و در همه این کتابها نویدها و بشارتهای ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) به عبارات و مضامینی که همه اصالت و حقیقتِ «مهدویّت» را تأیید می کنند، و آن را یک عقیده عمومی مشترک بین همه اُمّتها و ملّتها می دانند، به روشنی بیان شده است.اگر چه غیر از قرآن مجید، همه کتابهای دیگر آسمانی مورد دستبرد و تحریف قرار گرفته است، ولی باز هم مطالبی در آنها دیده می شود که از دستبرد دگران مصون مانده، و در آنها عبارات و جملاتی از آمدن «مصلح جهانی» به چشم می خورد.جالب توجّه این که: در تمام کتابهای مقدّسی که در میان اهل ادیان، به عنوان کتابهای آسمانی شناخته شده و آورندگان آن کتابها به عنوان پیامبر، شناخته می شوند، تصریحات زیادی به «مهدی موعود» شده است.هر چند که ما این کتابها را به عنوان «کتاب آسمانی» نمی دانیم، و یقین نداریم که آورندگان آنها پیامبر بوده اند، بلکه معتقدیم که آنها یا «پیامبر» بوده اند، یا این مطالب را از کتابها و تعلیم پیامبران گذشته اقتباس کرده اند، ولی شگفت آور است که در برخی از این کتابها، بعضی از القاب خاص و اسامی مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) و حتّی سلسله «نسبی» آن حضرت و این که وی از سلاله پاک پیغمبر آخر الزمان، و از فرزندان دختر آن پیغمبر، و آخرین جانشین آن حضرت است، نیز مشخص گردیده است.اینک برای اثبات این مدّعا قسمتی از نویدها و بشارتهای ظهور مهدی موعود(علیه السلام) را که در کتب مذهبی اهل ادیان آمده است، از کتب مقدّسه هندیان، یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و سایر کتابهایی که در میان پیروان خود به عنوان کتاب آسمانی شناخته شده، نقل می کنیم، تا اصالت مسأله «مهدویت» و جهانی بودن اعتقاد به ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) به خوبی روشن شود.

مهدی موعود در کتب مقدسه هندیان

اشاره

در کتابهای مذهبی مقدّسی که در میان هندیان به عنوان کتاب های آسمانی شناخته شده و آورندگان این کتاب ها به عنوان پیامبر شناخته می شوند، تصریحات زیادی به وجود مقدّس مهدی موعود(علیه السلام) و ظهور مبارک آن حضرت شده است که قسمتی

از آنها از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب اوپانیشاد

در کتاب «اوپانیشاد» که یکی از کتب معتبره و از منابع هندوها به شمار می رود، بشارت ظهور مهدی موعود(علیه السلام) چنین آمده است:(این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلّی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می شود، و شریران را تماماً هلاک می سازد، و خلقت را از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد).با اندک تأملی در جملات بشارت فوق، ظاهر می شود که مقصود از «مظهر ویشنو» همان وجود مقدّس حجهٔ بن الحسن العسکری(علیه السلام) است؛ زیرا طبق روایات متواتر اسلامی آن حضرت در آخر الزمان و در پایان جهان، ظهور خواهد نمود و با شمشیر قیام خواهد کرد، و تمامی جباران و ستمگران روی زمین را از بین خواهد برد، و در دوران حکومت آن مظهر قدرت خداوندی، جهان، آفرینش نوینی خواهد یافت.(مهدی(علیه السلام) بر اسب دست و پا سفیدی سوار است)این عنوان که در دومین فراز بشارت کتاب «اوپانیشاد» آمده است، در اخبار معصومین(علیهم السلام) بدان اشاره شده که برای نمونه برخی از آنها را در اینجا می آوریم:در حدیثی از حضرت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) روایت شده که در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) و به هنگام حرکت آن حضرت از نجف به سوی مسجد سهله فرموده است:(کَأنِّی بِهِ وَقدْ عَبرَ مِنْ وادِی السّلام إلی مَسْجِدِ السَّهْلَهِٔ عَلی فَرَس مُحَجَّل لَهُ شِمْراخٌ یُزهِو وَ هُوَ یَدْعُو و یقول فی دعائِهِ...).(گویی او را با چشم خود می بینم که در نزدیکی نجف از وادی السلام عبور کرده، به سوی مسجد سهله پیش می رود در حالی که بر اسب دست و پا سفیدی سوار است که پیشانی سفید و درخشنده ای دارد، و همه درخشندگی آن را چون چراغ و ستاره می بینند و او در آن حال دعا می خواند...)

بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب باسک

در کتاب «باسک» که از کتب مقدّسه آسمانی هندوهاست، بشارت ظهور حضرت ولی عصر(علیه السلام) چنین آمده است.(دور دنیا تمام شود به پادشاه عادلی در آخر الزمان، که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمین ها و کوه ها پنهان باشد همه را بدست آورد، و از آسمان ها و زمین و آنچه باشد خبر دهد، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید).

بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب پاتیکل

در کتاب «پاتیکل» که از کتب مقدّسه هندیان می باشد و صاحب این کتاب از اعاظم هند است و به گمان پیروانش، صاحب کتاب آسمانی است، بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) چنین آمده است:(چون مدّت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخر الزمان» و دیگری «صدیق اکبر(.یعنی وصی بزرگتر وی که «پشن» نام دارد. و نام آن صاحب ملک تازه، «راهنما» است، به حق، پادشاه شود، و خلیفه «رام» باشد، و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد رام.و دولت او بسیار کشیده شود، و عمر او از فرزندان «ناموس اکبر» زیاده باشد، و آخر دنیا به او تمام شود. و از ساحل دریای محیط و جزایر سراندیب و قبر بابا آدم(علیه السلام) و از جبال القمر تا شمال هیکل زهره، تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند، و بتخانه «سومنات» را خراب کند. و «جگرنات» بفرمان او به سخن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد، و هر بتی

که در هر جا باشد بشکند».از آنجا که در این بشارت، الفاظ و تعابیری به کار رفته است که امکان دارد برای بعضی از خوانندگان نا مفهوم باشد بعضی از آنها را جهت روشن تر شدن مطلب توضیح می دهیم:۱ ـ مقصود از «ناموس آخر الزمان»، ناموس اعظم الهی، پیامبر خاتم حضرت محمّد بن عبدالله(صلی الله علیه وآله وسلم) است.۲ ـ پشن، نام هندی حضرت علی بن ابی طالب(علیه السلام) است.۳ ـ صاحب ملک تازه، آخرین حجّت خداوند حضرت ولی عصر(علیه السلام) است و راهنما، نام مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) است که بزرگترین نماینده راهنمایان الهی و نام مقدّس وی نیز، هادی و مهدی و قائم به حق است.۴ ـ کلمه «رام» به لغت «سانسکریتی» نام اقدس حضرت احدیت (خدا) است.۵ ـ این جمله «هر که به او پناه برد، و دین پدران او اختیار کند، در نزد رام، سرخ روی باشد» صریح است در این که، حضرت مهدی(علیه السلام) جهانیان را به دین اجداد بزرگوارش، اسلام، دعوت می کند.۶ ـ سومنات ـ بنا به نوشته علاّمه دهخدا، در کتاب لغت نامه بتخانه ای بوده است در «گجرات». و گویند: سلطان محمود غزنوی آن را خراب کرد، و «منات» را که از بتهای مشهور است و در آن بتخانه بود، شکست. و گویند: این لغت هندوی است که مفرّس شده و آن نام بتی بود، و معنی ترکیبی آن «سوم، نات» است: نمونه قمر، زیرا «سوم» به لغت هندوی قمر را گویند، و نات، تعظیم است. برای اطلاع بیشتر به لغت نامه دهخدا، ماده «سومنات» مراجعه فرمایید.۷ ـ و اما «جگرنات» به لغت سانسکریتی، نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می دانند.

بشارت ظهور حضرت بقیهٔ الله در کتاب وشن جوک

در کتاب «جوک» که رهبر جوکیان هندو است و او را پیامبر می دانند، در باره بشارت ظهور حضرت «بقیهٔ الله»- ارواحنا فداه – و رجعت گروهی از اموات در دوران حکومت عدالت گستر آن حضرت، چنین آمده است:(آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او «خجسته» و «فرخنده» باشد. خلق را، که در دین ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند، و عالم را نو گرداند، و هر بدی را سزادهد، و یک «کرور» دولت او باشد که عبارت از چهار هزار سال است، خود او و اقوامش پادشاهی کنند).دو کلمه «فرخنده» و «خجسته» در عربی به (محمّد و محمود) ترجمه می شود و این هر دو اسم، نام مبارک حضرت مهدی- ارواحنا فداه – می باشد، و شاید هم اشاره به «محمّد» و «احمد» باشد؛ زیرا در روایات اسلامی وارد شده است که حضرت مهدی- ارواحنا فداه – دو نام دارد، یکی مخفی و دیگری ظاهر است، نامی که مخفی است «احمد» و آن که ظاهر است «محمّد» می باشد.

بشارت ظهور حضرت ولی عصر در کتاب دید

در کتاب «دید» که از کتب مقدسه هندیان است بشارت ظهور مبارک حضرت ولی عصر- ارواحنا فداه – چنین آمده است:(پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلایق باشد، و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد، و به دین خود در آورد، و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد، و هر چه از خدا بخواهد بر آید).در برخی از روایات اسلامی، ائمّه معصومین(علیهم السلام) «منصور» را یکی از اسامی مبارک حضرت مهدی- ارواحنا فداه – خوانده، و آیه شریفه:(وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِيِّهِ سُلْطاناً فَلا يُسرِفُ فِي القَتلِ اِنَّهُ كانَ مَنْصوراً)(هر انکه مظلوم کشته شود ما برای ولیاو حق – قصاص – قرار دادیم،پس در کشتن اسراف نمیکند، همانا او یاری شده است.)را به آن حضرت تفسیر نموده اند که آن یگانه باز مانده حجج الهی، ولیّ خون مظلومان و منصور و مؤیّد من عند الله است.و در همین رابطه در ضمن حدیثی از امام باقر(علیه السلام) روایت شده است که فرمود:(القائِمُ مِنّا مَنصُورٌ بالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطوى لَهُ الأرضُ، وَ تَظهَرُ لَهُ الكُنُوزُ، وَيبلغ سُلطانُهُ المَشرِقَ وَ المَغرِبَ).(قائم ما به وسیله رعب (در دل دشمنان) یاری می شود، و با نصرت الهی تأیید می گردد، زمین زیر پایش پیچیده می شود، و گنجهای زمین

برای او ظاهر می شود، ودولت او به شرق و غرب عالم می رسد).

بشارت ظهور حضرت قائم در کتاب دادتگ

در کتاب «دادتگ» که از کتب مقدّسه برهمائیان هند است، بشارت ظهور مبارک حضرت قائم- ارواحنا فداه -چنین آمده است:بعد از آن که مسلمانی به هم رسد، در آخر الزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدّی حاکمان و ریای زاهدان و بی دیانتی امینان و حسد حاسدان بر طرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند، و دنیا مملو از ظلم و ستم شود، و پادشاهان، ظالم و بی رحم شوند، و رعیّت بی انصاف گردند و در خرابی یکدیگر کوشند و عالم را کفر و ضلالت و فساد بگیرد، دست حق به در آید، و جانشین آخر «ممتاطا»ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا (همه جهان را) و بسیار کسان را بکشد، و خلایق را هدایت کند، و آن در حالتی باشد که ترکان، امیر مسلمانان باشند، و [او] غیر از حق و راستی از کسی قبول نکند.آنچه در این بشارت و بشارتهای قبلی در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی- ارواحنا فداه - آمده است، اکثر آنها بدون کم و کاست با روایات اسلامی منطبق است، و ممکن است؛ برخی تصوّر کنند که شاید بعضی از مطالب این پیشگویی کمی اغراق آمیز است، ولی باید توجّه داشت که همه فرازهای این پیشگویی که در ضمن، تعدادی از علایم ظهور را نیز بر شمرده است در بسیاری از روایات اسلامی آمده و حتّی در دو حدیث بسیار مفصّل و طولانی که از رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و امام صادق(علیه السلام) در مورد حوادث قبل از ظهور از آن دو بزرگوار نقل شده به تفصیل سخن رفته است که ما به جهت اختصار از نقل آنها صرف نظر می نماییم، و علاقه مندان می توانند به منابعی که در پاورقی آورده ایم، مراجعه فرمایند.

بشارت ظهور حضرت حجهٔ اللّه در کتاب ریگ ودا

در کتاب «ریک ودا» که یکی از کتب مقدّسه هند است، بشارت ظهور حضرت حجهٔ الله- ارواحنا فداه - چنین آمده است:ویشنو، در میان مردم ظاهر می گردد... او از همه کس قوی تر ونیرومندتر است... در یک دست «ویشنو» (نجات دهنده) شمشیری به مانند ستاره دنباله دار و دست دیگر انگشتری درخشنده دارد هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید.در این بشارت، از ظهور انسانی ممتاز و با عظمت و برخی از نشانه های ظهور وی سخن رفته است که در وقت ظهور با شمشیر آتشبار که بسان ستاره دنباله دار است، قیام می کند. و این تعبیر (یعنی: قیام با شمشیر) تعبیر دقیق و لطیفی است که مضمون آن در رابطه با ظهور حضرت ولی عصر(علیه السلام) در احادیث اسلامی نیز آمده است.

بشارت ظهور آخرین حجت خدا در کتاب شاکمونی

در کتاب «شاکمونی» که از کتب مقدّسه هندیان می باشد و به اعتقاد کفره هند، پیغمبر صاحب کتاب است و می گویند: وی بر اهل خطا و ختن مبعوث بوده است، بشارت ظهور آخرین حجّت خدا حضرت ولی عصر- ارواحنا فداه - چنین آمده است:پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سیّد خلایق دو جهان «گشن» بزرگوار تمام شود، و او کسی باشد که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند، و بر ابرها سوار شود، و فرشتگان کارکنان او باشند، و جنّ و انس در خدمت او شوند، و از «سودان» که زیر خط «استوا» است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است و ماورای بحار و ماورای اقلیم هفتم و گلستان ارم تا باغ شداد را صاحب شود، و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد، و نام او «ایستاده» باشد، و خداشناس باشد.(گشن) در لغت هندی نام پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله وسلم) است که در این بشارت فوق، فرزند برومند وی را به نام «ایستاده» و «خدا شناس» نامیده، چنان که شیعیان او را «قائم(علیه السلام)» و حضرت مهدی- ارواحنا فداه - می خوانند.و امّا موضوع سوار شدن آن حضرت بر ابرهای آسمان

که در این بشارت آمـده است، یکی از بزرگترین امتیازات آن موعود مسـعود است که نه تنها در بشارت فوق و مکرّراً در بشارتهای انجیل از آن سـخن رفته است؛ بلکه در روایات متواتره اسلامی نیز به صورت یک امر جدّی و خارق العاده مطرح گردیده است.زیرا پیـامبر اکرم(صـلی الله علیه وآله وسـلم) و امامـان معصوم(علیهم السـلام) در مواردی که از ظهور مبـارک آن ولی مطلق الهی سـخن رانده اند، سیر و حرکت آن مصلـح بزرگ جهانی را در ایّام ظهور خارق العاده دانسـته، و به پیروان خود مژده داده اند که حضـرت مهـدی(علیه السـلام) با قـدرت و جلال در حالی که بر ابرهای آسـمان سوار است، ظهور خواهد فرمود.اینک برای اثبات این مدّعا و دلگرمی منتظران ظهور آن یگـانه منجی عالم، به چنـد نمونه از احادیث وارده اشاره می کنیم:۱ ـ علاّمه مجلسـی در ضمن حدیثی از پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده که آن حضرت فرمود: خداوند در شب معراج خطاب به من کرد و فرمود:...«... وَ لَاُطَهِّرَنَّ الأَرْضَ بـآخِرِهِمْ من أَعْـدائی، وَ لاُـمَلِکَنَّهُ مَشارِق الأَرْضِ وَ مَغارِبَها، وَ لأُسَـخِّرَنَّ لَهُ الرِّیاحَ، وَ لَاُذَلِلَنَّ لَهُ السَّحابَ الصِّعابِ، ولأرقیَنّهُ فی الأسـباب، ولأنصـرنّهُ بجنـدی، وَ لَاُمِـدَّنَّهُ بِمَلائِکَتِی، حتّی یُعْلِنَ دَعْوَتِی، وَیَجْمَعَ الخَلْقَ عَلی تَوحیـدِی، ثُمَّ لَاُدِیمنّ مُلکَهُ، وَلَاُداوِلَنَّ الأَیّامَ بَیْنَ أَوْلِیائِی إلی یَوْم القِیامَهْ»... و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می سازم؛ شرق و غرب جهان را به او تملیک می نمایم؛ بادها را به تسـخیر او در می آورم؛ ابرهـای سـخت و نـا آرام را برای او رام می گردانم، برترین ابزارها را در اختیار او می گـذارم، با سپاه خود او را یاری نموده و با فرشـتگانم او را مدد و تقویت می نمایم، تا دعوت مرا آشـکار سازد و همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد. آنگـاه دولت او را پایـدار نموده و دوران حکومتش را تـا پایان روزگار بین دوسـتانم جاودانه می سازم.۲ ـ در حـدیثی از امام باقر (علیه السـلام) روایت شده است که فرمود:أما إنّ ذا القَرْنَیْنِ قَدْ خُیِّرَ السَّحابَیْنِ، فَاختارَ الذَّلُولَ وَ ذَخَرَ لِصاحِبِکُمُ الصَّعْبَ.فَقِیلَ لَهُ: وَ ما اَلصَّعْبُ؟فَقالَ: ما کانَ مِنْ سَحاب فِیهِ رَعْدٌ وَصاعِقَهٌ وَ بَرْقٌ، فَصاحِبُکُمْ یَرْکَبُهُ!. أما إنَّهُ سَیَرْکَبُ السَّحابَ، وَ یَرْقَی فِی الأسبابِ: أسبابِ السَّمـاوات السَّبْعِ وَ الأَرَضِینَ السَّبع.ذوالقرنین میـان دو ابر مخیر شـد: یکی ابر رام و دیگری ابر نـا آرام، و او ابر رام را برای خـود بر گزیـد و ابر نـا آرام را برای صاحب شـما نگه داشت.گفته شـد: ابر نا آرام چیست؟فرمود: ابری که با رعـد و برق و غرّش باشـد، که صاحب شـما سوار بر آن خواهد شد. آری! صاحب شما سوار ابر می شود، همه اسبابها و ابزارها را زیر پا می گذارد، اسبابهای هفت آسمان و هفت زمین را.

بشارات ظهور حضرت مهدی در کتاب تورات

اشاره

در کتـاب تورات که از کتب آسـمانی به شـمار می رود و هم اکنون در دست اهل کتاب و مورد قبول آنها است، بشارات زیادی از آمـدن مهدی موعود و ظهور مصلـحی جهانی در آخر الزمان آمده است که چون مضـمونهای آن بشارات در قرآن کریم و احادیث قطعی و متواتر اسـلامی به صورت گسترده ای وارد شـده و نشان می دهد که مسأله «مهدویّت» اختصاص به اسـلام ندارد، قسـمتی از آن بشـارات را در اینجا می آوریم، و برخی از نکات آنها را توضـیح می دهیم تا موضوع تشـکیل حکومت واحـد جهانی، و تبـدیل همه ادیان و مـذاهب مختلف به یک دین و آیین مسـتقیم، برهمگان روشن شود.گفتنی است که چون در کتاب «عهـد عتیق» (یعنی: تورات و ملحقـات آن) همچون کتـاب انجیـل، از بازگشت و رجعت حضـرت عیسـی (علیه السـلام)سـخن به میان آمـده است و این مطلب، رابطه مسـتقیم با ظهور حضـرت مهدی(علیه السـلام)دارد، در ضـمن بشارات ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)، فرازهایی از «تورات» را آورده ایم تـا دانسـته شود که قوم یهود نیز بر اساس آنچه در کتابهای مـذهبی خودشان آمـده است همچون مسـلمانان به «رجعت» و بازگشت حضـرت مسـیح(علیه السـلام)معتقدنـد. و در این باره تردیـد ندارند که بالاخره روزی فرا می رسد که حضـرت عیسـای روح الله(علیه السـلام)به زمین باز می گردد و برخی از آنها را تنبیه و از برخی دیگر انتقام می گیرد، هر چنـد که بسـیاری از

آنان بر اثر آیات و معجزاتی که از حضرت مهدی(علیه السلام)و عیسای مسیح(علیه السلام)می بینند ایمان آورده و تسلیم می شوند و در برابر حق خاضع و خاشع می گردند.اینک به قسمتی از بشاراتی که در «تورات» و ملحقات آن آمده است، توجّه فرمایید:

بشارت ظهور حضرت مهدی در زبور داوود

در زبور حضرت داود(علیه السلام) که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای کتب «عهد عتیق» آمده، نویدهایی در باره ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) به بیانهای گوناگون داده شده است و می توان گفت: در هر بخشی از «زبور» اشاره ای به ظهور مبارك آن حضرت، و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید و مستقیم، موجود است.و جالب توجّه این که، مطالبی که قرآن کریم در باره ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) از «زبور» نقل کرده است عیناً در زبور فعلی موجود و از دست برد تحریف و تفسیر مصون مانده است.قرآن کریم چنین می فرماید:وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحوُنَ.ما علاوه بر ذکر (تورات) در «زبور» نوشتیم که [در آینده] بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.مقصود از «ذکر» در این آیه شریفه، تورات موسی(علیه السلام) است که زبور داود(علیه السلام)پیرو شریعت تورات بوده است.این آیه مبارکه از آینده درخشانی بشارت می دهد که شرّ و فساد به کلّی از عالم انسانی رخت بر بسته، و اشرار و ستمکاران نابود گشته اند، و وراثت زمین به افراد پاك و شایسته منتقل گردیده است. زیرا کلمه «وراثت و میراث» در لغت، در مواردی استعمال می شود که شخص و یا گروهی منقرض شوند و مال و مقام و همه هستی آنها به گروهی دیگر به وراثت منتقل شود.به هر حال، طبق روایات متواتره اسلامی ـ از طریق شیعه و سنّی ـ این آیه شریفه مربوط به ظهور مبارك حضرت مهدی(علیه السلام) می باشد، و قرآن کریم این مطلب را از زبور حضرت داود (علیه السلام) نقل می کند، و عین همین عبارت در زبور موجود است. و اینك متن زبور:(۹) زیرا که شریران منقطع می شوند. امّا متوکّلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد.(۱۰) و حال اندکست که شریر نیست می شود که هر چند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود(۱۱) امّا متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذّذ خواهند شد (۱۲) شریر بخلاف صادق افکار مذمومه می نماید، و دندانهای خویش را بر او می فشارد(۱۳) خداوند به او متبسّم است چون که می بیند که روز او می آید(۱۴) شریران شمشیر را کشیدند و کمان را چلّه کردند تا آن که مظلوم و مسکین را بیندازند،(۱۵)انهای ایشان شکسته خواهد شد(۱۶) کمی صدّیق از فراوانی شریران بسیار بهتر است.(۱۷) چون که بازوهای شریران شکسته می شود و خداوند صدّیقان را تکیه گاه ا ست(۱۸(خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود(۱۹) در زمان) بلا) خجل نخواهندشد، و در ایّام قحطی سیر خواهند بود (۲۰) لکن شریران هلاك خواهند شد،(۲۱)شمنان خداوند، مثل پیه برّه ها فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد؛ (۲۲) زیرا متبرّکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، امّا ملعونان وی منقطع خواهند شد(۲۳)صدّیقان وارث زمین شده، ابداً در آن ساکن خواهند شد(۲۴)به خدا پناه برده، راهش را نگاهدار که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید(۲۵) عاصیان، عاقبت مستأصل، و عاقبت شریران منقطع خواهند شد.در فصل دیگر می فرماید:... قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هر چه در آن است به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنّم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می آید، زیرا که برای داوری جهان می آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد. و قومها را به امانت خود.و از جمله در مزمور ۷۲ در مورد پیامبر بزرگوار اسلام و فرزند دادگسترش حضرت مهدی(علیه السلام)، چنین می فرماید:(۱) ای خدا! شرع و احکام خود را به «ملك»، و عدالت خود را به «ملك زاده» عطا فرما (۲) تا این که قوم تو را به عدالت و فقرای تو را به انصاف حکم نماید (۳) به قوم کوهها سلامت و کویرها عدالت برساند (۴) فقیران قوم را حکم نماید، و پسران مسکینان را نجات دهد، و ظالم را بشکند (۵) تا باقی ماندن ماه و آفتاب دور به دور از تو بترسند (۶) بر گیاه بریده شده مثل باران و

مانند امطار ـ که زمین را سیراب می گرداند ـ خواهد بارید(۷)و در روزهایش صدّیقان شکوفه خواهد نمود، و زیادتی سلامتی تا باقی ماندن ماه خواهد بود (۸) از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی زمین سلطنت خواهد نمود (۹) صحرا نشینان در حضورش خم خواهند شد و دشمنانش خاک را خواهند بوسید(۱۰)ملوک طرشیش و جزیره ها، هدیه ها خواهند آورد، و پادشاهان شبا و سبا پیشکشها تقریب خواهند نمود (۱۱) بلکه تمامی ملوک با او کرنش خواهند نمود، و تمامی اُمم او را بندگی خواهند کرد (۱۲) زیرا فقیر را وقتی که فریاد می کند و مسکین که نصرت کننده ندارد، خلاصی خواهد داد (۱۳) و به ذلیل و محتاج ترحّم خواهد فرمود و جانهای مسکینان را نجات خواهد داد (۱۴) جان ایشان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد، و هم در نظرش خون ایشان قیمتی خواهد بود (۱۵) و زنده مانده از شبا به او بخشیده خواهد شد (۱۶) در زمین به سر کوهها مشت غلّه کاشته می شود که محصول آن مثل اسنان متحرّک شده، اهل شهرها مثل گیاه زمین شکوفه خواهند نمود(۱۷)اسم او ابداً بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت (۱۹) بلکه اسم ذوالجلال او ابداً مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پر شود (۲۰) دعای داود پسر یسیّ تمام شد.

بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب اشعیای نبی

در کتاب «اشعیای نبی» که یکی از پیامبران پیرو تورات است، بشارت فراوانی در مورد ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) آمده است که جهت استدلال به کتاب مزبور، نخست فرازی از آن بشارت ها را نقل نموده، و برخی از نکات آن را توضیح می دهیم تا معلوم شود که مسلمانان در باره عقیده به ظهور یک مصلح جهانی تنها نیستند، بلکه همه اهل کتاب در این عقیده با مسلمانان اشتراک نظر دارند.در فرازی از بشارت کتاب اشعیا چنین آمده است:و نهالی از تنه «یسیّ»بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوّت و روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود، داوری نخواهد نمود و بر وفق سمع گوشهای خویش، تنبیه نخواهد نمود؛ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود... کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت.و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد، و طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد، و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت، و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادی نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می پوشاند.منظور از «نهالی که از تنه یسیّ خواهد رویید» ممکن است یکی از چهار نفر از شخصیّت های بزرگ روحانی و رهبران عالی قدر بشر، حضرت داود، حضرت سلیمان، حضرت عیسی و حضرت حجّت بن الحسن العسکری(علیهم السلام)باشند؛ ولی دقّت و بررسی کامل آیات فوق نشان می دهد که منظور از این نهال، هیچ یک از آن پیامبران نیست؛ بلکه همه آن بشارتها ویژه قائم آل محمّد(علیهم السلام)است؛ زیرا حضرت داوود و سلیمان(علیهما السلام)فرزندان پسری یسیّ، و حضرت عیسی بن مریم(علیه السلام)نواده دختری وی، و قائم آل محمّد(علیه السلام)نیز از جانب مادرش جناب نرجس خاتون ـ که دختر یشوعا، پسر قیصر، پادشاه روم و از نسل حضرت داود، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی(علیه السلام) بوده، و نسب شریفش به شمعون صفا، وصیّ حضرت عیسی(علیه السلام)می رسد ـ نواده دختری «یسیّ» می باشد.در فرازی از این بشارت چنین آمده است:موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خود تنبیه نخواهد نمودو این جمله، اشاره به حاکمیت مطلق و حکومت عادلانه آن حضرت دارد که وی بر اساس حق و واقع، حکم می کند و نیازی به شاهد و بیّنه ندارد و از کسی گواهی نمی طلبد چنان که در روایات اسلامی آمده است که:یحکم بحکم داود ومحمّد(صلی الله علیه وآله

وسلم(یعنی به حکم حضرت داود و دستور پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) حکم می کند و با علم و دانش خدادادی خویش داوری می نماید.و در فراز دیگری از آن بشارت آمده است که، در زمان حکومت حقه و دوران حکومت عدالت پیشه او «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید... و گوساله و شیر پرواری با هم، و... ضرر و فسادی نخواهند کرد»، این جمله نشان می دهد که در زمان ظهور مبارک آن موعود آسمانی، عدل و داد آن چنان گسترش می یابد که جانوران و درندگان با هم سازش می کنند و در کنار یکدیگر قرار می گیرند و خوی بهیمیّت و درندگی را از دست می دهند، و زیان و ضرر به هیچ یک از موجودات نمی رسانند چنان که در اخبار و احادیث آمده است:وَ تَصْطَلِحُ فِی مُلْکِهِ السِّباع، وَ اصْطَلَحَتِ السِّباع، و تأمَنُ الْبَهائم.در حکومت او درندگان خوی توحش رها کرده و با یکدیگر سازش می کنند و حیوانات اهلی احساس امنیت می نمایند.و در آخرین فراز از بشارت مزبور آمده است: «جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می پوشاند»، این مطلب نشانگر این واقعیّت است که در عهد با سعادت آن موعود آسمانی چنان تحوّل عظیم علمی و فرهنگی به وجود می آید که همه مردمان به خدای یگانه ایمان می آورند. درهای رشته های گوناگون علوم و دانش به روی انسانها گشوده می شود، سطح معلومات بشری بالا می رود، راهی را که بشریّت در طول تاریخ در هزاران سال پیش به دنبال آن بوده در زمان کوتاه می پیماید، عقلها کامل و اندیشه ها شکوفا می گردد، و کوته بینی ها و تنگ نظری ها از بین می رود، و انسانها به کمال و بلوغ عقلی و اخلاقی و انسانی می رسند و به تمام ناکامیها، شکستها، ستمها، نادانیها و بدبختی ها پایان می دهند، و زندگی شرافتمندانه تازه ای را آغاز می نمایند.در بشارت دیگری نیز در کتاب «اشعیاء» در مورد ظهور قائم آل محمّد(علیه السلام)چنین آمده است:و در ایّام آخر واقع خواهد شد... جمیع اُمّتها به سوی آن روان خواهند شد... او اُمّتها را داوری خواهد نمود، و قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد... اُمّتی بر اُمّتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.آنچه از این بشارت فهمیده می شود این است که پس از قیام شکوهمند مهدی موعود(علیه السلام) جمیع اُمّتها به سوی او روی خواهند آورد. و او همه مردم جهان را از هر رنگ و نژادی که باشند و هر دین و مذهبی که داشته باشند در زیر یک پرچم که دین اسلام و توحید باشد گرد خواهد آورد، و گروه بسیاری را تنبیه خواهد نمود، و در پرتو اجرای عدالتش، و در میان مردم به قضاوت داودی داوری خواهد نمود، و بر اساس حق و واقع قضایا را حل و فصل خواهد کرد، که سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت دیگر اُمّتی بر اُمّتی شمشیر نخواهد کشید، و بار دیگر جنگ و خونریزی و ناامنی بر جهان حکمفرما نخواهد بود، و همه مردمان در صلح، صفا، صمیمیّت و آسایش و آرامش در کنار هم زندگی خواهند نمود.در فرازی از بشارت های کتاب اشعیا آمده که در زمان آن حضرت، عدالت اجتماعی برقرار خواهد گردید و امنیّت عمومی به وجود خواهد آمد به گونه ای که مردم در صلح و صفا و صمیمیّت زندگی کنند و بهایم با هم سازش نمایند و در کنار هم با آسودگی بیاسایند:آنگاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد، و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید. و عمل عدالت، سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابد الآباد. و قوم من در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزلهای آرامی ساکن خواهند شد.در فراز دیگری از بشارت های کتاب اشعیای نبی آمده که در آن زمان، بساط ظلم و ستم برچیده خواهد شد، و عدالت گسترش خواهد یافت، و فقر اقتصادی از میان خواهد رفت و نیازمندیهای مادی و معنوی مردم تأمین خواهد گردید، و همگان به اخلاق حمیده اسلامی آراسته خواهند شد، و پرده های ظلمت و تاریکی به کنار خواهد رفت، و مردمان در ناز و نعمت زندگی خواهند کرد:برگزیدگان من، از عمل دستهای خود تمتّع خواهند برد، زحمت بیجا نخواهند کشید، اولاد به جهت اضطراب نخواهند زایید؛ زیرا که اولاد برکت یافتگان خداوند هستند و ذریّت ایشان با ایشان اند. و قبل از آن که بخوانند من جواب خواهم داد، و پیش از آن که سخن گویند من خواهم شنید. گرگ و برّه با هم خواهند چرید، و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد، و خوراک مار خاک خواهد بود، خداوند می گوید که در تمامی کوه مقدّس من، ضرر نخواهند رسانید و فساد نخواهند کرد.

بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب یوئیل نبی

در کتاب بوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) و نزول حضرت عیسی(علیه السلام) و محاکمه اسرائیل در آن روز سرنوشت ساز، چنین آمده است:آن گاه جمیع امّت ها را جمع کرده به وادی «یهوشافاظ»فرود خواهم آورد و در آن جا با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش، اسرائیل [را] محاکمه خواهم نمود، زیرا که ایشان را در میان امّت ها پراکنده ساخته و زمین مرا تقسیم نموده اند و بر قوم من قرعه انداخته و پسری در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند.و در جای دیگر از همین کتاب چنین آمده است:ای همه اُمّتها! بشتابید و بیایید و از هر طرف جمع شوید ای خداوند شجاعان! خود را به آنجا فرود آور. اُمّتها بر انگیخته شوند. به «وادی یهوشافاظ» بر آیند؛ زیرا که من در آنجا خواهم نشست تا بر همه اُمّتهایی که به اطراف آن هستند داوری نمایم.و در همین زمینه در کتاب «عاموس نبی» آمده است که می گوید:بنابر این، ای اسرائیل! به این طور با تو عمل خواهم نمود، و چون که به این طور با تو عمل خواهم نمود پس ای اسرائیل! خویشتن را مهیّا ساز تا با خدای خود ملاقات نمایی.این فرازها ـ همچنان که ملاحظه می شود ـ از نزول حضرت عیسی(علیه السلام) و داوری آن حضرت در «یوم الله ظهور» خبر می دهند.و در همین رابطه، در کتاب «هوشیع نبی» در مورد بازگشت حضرت عیسی (علیه السلام)خطاب به قوم یهود آمده است:و من برای افرایم مثل شیر و برای خاندان یهودا مانند شیر ژیان خواهم بود. من خودم خواهم درید و رفته خواهم ربود و رهاننده نخواهد بود.من روانه شده به مکان خود خواهم برگشت تا ایشان به عصیان خود اعتراف نموده روی مرا بطلبند، در تنگی خود صبح زود مرا خواهند طلبید.

بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب زکریای نبی

اشاره

در کتاب زکریای نبی ـ که یکی از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل و از انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور آن یگانه منجی عالم چنین آمده است:اینک روز خداوند می آید و غنیمت تو در میانت تقسیم خواهد شد. و جمیع اُمّتها را به ضدّ اورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد، و شهر را خواهند گرفت و خانه ها را تاراج خواهند نمود، و زنان را بی عصمت خواهند کرد، و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت، و بقیّه قوم از شهر منقطع خواهند شد.و خداوند بیرون آمده با آن قومها مقاتله خواهد نمود چنان که در روز جنگ مقاتله نمود، و در آخر آن روز پایهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است خواهد ایستاد... و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود... و یَهْوه (خدا) بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. و در آن روز یَهْوهٔ واحد خواهد بود و اسم او واحد.در اینجا لازم است این نکته را توضیح دهیم که در کتب عهدین (یعنی تورات و انجیل) کلمه «خداوند» بیشتر در مورد حضرت عیسی(علیه السلام) به کار می رود، که در اینجا نیز چنین شده است. و جالب این که در این فراز بشارت که از تورات نقل کردیم، محل فرود آمدن حضرت عیسی و یوم الله بودن آن روز و جهانی شدن اسلام و سقوط رژیم اشغالگر قدس دقیقاً با روایات اسلامی مطابقت دارد.البته باید توجّه داشت که طبق آیات کریمه قرآن مجید، مضمون این پیشگوییها یکبار در دوران گذشته در زمان بخت النصر انجام گرفته و یکبار دیگر طبق وعده های صریح قرآن کریم و نویدهای ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) در «یوم الله ظهور»، انجام خواهد گرفت، و نخستین قبله مسلمانان برای همیشه از اشغال یهودیان رهایی خواهد یافت و در تمامی جهان خدای یکتا را پرستش خواهد نمود، و در تمامی نقاط زمین ندای دلنواز وحدت به گوش خواهد رسید.به هر حال، آنچه در این فراز در مورد سرنوشت یهودیان مغرور آمده است دقیقاً با روایات اسلامی منطبق است؛ زیرا از احادیث چنین استفاده می شود که ملّت یهود به علّت طغیان و سرکشی و فسادی که در زمین ایجاد می کنند سرانجام تار و مار خواهند شد به گونه ای که حتّی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند.اینک برای آن که به سرنوشت شوم و ذلّت باری که طبق وعده الهی در

انتظار قوم یهود و غدّه سرطانی اسرائیل غاصب است واقف شویم به برخی از روایاتی که در زمینه طغیان و سرکشی قوم یهود، و هلاکت و نابودی آنها در «بیت المقدس» وارد شده، اشاره می کنیم:

سرنوشت یهودیان مغرور

ابن کثیر دمشقی در کتاب «البدایهٔ و النهایهٔ» در باره درگیری مسلمانان با یهود و این که این درگیری هر روز شدید و شدیدتر خواهد شد تا جایی که به پیروزی مسلمین و نابودی یهود منجر شود، در حدیثی از پیغمبر اکرم نقل کرده است که فرمود:لا تقوم السّاعهٔ حتّی یقاتل المسلمون الیهود، فیقتلهم المسلمون حتّی یختبئ الیهودی من وراء الحجر و الشجر فیقول الحجر ـ أو الشجر ـ یا مسلم! یا عبدالله! هذا الیهودی من خلفی، فتعال فاقتله، إلاّ الغرقد، فإنّه شجر الیهود.قیامت بر پا نمی شود تا این که مسلمانان با یهود به مبارزه برخیزند و آنها را بکشند تا جایی که اگر یک نفر یهودی در پشت سنگ یا درختی پنهان شود، آن سنگ یا درخت ـ به قدرت خدای تعالی به زبان آمده ـ بگوید: ای مسلمان! ای بنده خدا! این که خود را پنهان کرده است یهودی است، بیا او را به قتل برسان. مگر درخت «غرقد» که درخت یهود است و از معرفی یهودی خودداری می کند.

اخراج یهود از سرزمینهای اسلامی

علاّمه مجلسی ـ اعلی الله مقامه ـ در کتاب نفیس «بحار الانوار» در باب رجعت، در این مورد که یهود و نصاری از سرزمینهای اسلامی اخراج خواهند شد در حدیثی از امیرمؤمنان علی(علیه السلام)چنین نقل کرده است:عن عبایهٔ الأسدی قال: سمعت أمیرالمؤمنین(علیه السلام) و هو متّکِئ و أنا قائم علیه: لأبنین بمصر منبراً منبراً، و لأنقضنّ دمشق حجراً حجراً، و لأخرجنّ الیهود و النّصاری من کلّ کور العرب، و لأسوقنّ العرب بعصای هذه.قال: قلت له: یا أمیر المؤمنین! کأنّک تخبر أنّک تحیی بعد ما تموت!فقال: هیهات یا عبایهٔ! ذهبت فی غیر مذهب، یفعله رجل منّی.عبایه اسدی گوید: امیرالمؤمنین(علیه السلام) تکیه داده بود و من بالای سر آن حضرت ایستاده بودم، در این هنگام شنیدم که فرمود: من در آینده در مصر منبری روشنی بخش بنیان خواهم نمود، و دمشق را ویران خواهم نمود، و یهود و نصاری را از سرزمینهای عرب بیرون خواهم راند، و عرب را با این عصای خود ـ به طرف حق ـ سوق خواهم داد.عبایه می گوید: من عرض کردم: یا امیر المؤمنین! گویی شما خبر می دهید که بعد از مردن بار دیگر زنده می شوید و این کارها را انجام می دهید!فرمود: هیهات ای عبایهٔ! مقصود من از این سخنان آن گونه که تو خیال کردی نیست؛ مردی از دودمان من اینها را انجام خواهد داد.از جمله آخر این حدیث که حضرت فرموده است:این کارها را مردی از دودمان من انجام خواهد داد، استفاده می شود که مقصود از او شخص امام قائم و حجّت منتظر(علیه السلام) است.

صهیونیسم و تشکیل دولتی به نام اسرائیل

نویسنده کتاب «عقائد الامامیّه» در مورد قیام یهود در خاور میانه و تشکیل دولتی به نام «اسرائیل» در سرزمین فلسطین، و بالاخره متلاشی شدن حکومت آنان، با شرکت اعراب و مسلمین به کمک یکدیگر، و به ویژه ارتش نیرومندی که از طریق عراق برای سرکوبی یهود عازم فلسطین می شود. در حدیث بسیار جامع و جالبی از امیرمؤمنان علی(علیه السلام) چنین نقل کرده است:قال أمیر المؤمنین(علیه السلام): وستأتی الیهود من الغرب لإنشاء دولتهم بفلسطین.قال النّاس: یا أبا الحسن! أنّی تکون العرب؟أجاب(علیه السلام): أنذاک تکون مفکّکهٔ القوی، مفکّکهٔ العری، غیر متکاتفهٔ وغیر مترادفهٔ.ثمّ سئل(علیه السلام): أیطول هذا البلاء؟قال: لا، حتّی إذا أطلقت العرب أعنّتها ورجعت إلیها عوازم أحلامها، عندئذ یفتح علی یدهم فلسطین، و تخرج العرب ظافرهٔ و موحّدهٔ، وستأتی

النجدهٔ من العراق، کتب علی رایاتها القوّهٔ، و تشترک العرب والإسلام کافهٔ لتخلّص فلسطین، معرکهٔ و أیّ معرکهٔ فی جلّ البحر، تخوض النّاس فی الدماء و یمشی الجریح علی القتیل.ثمّ قال(علیه السلام): و ستفعل العرب ثلاثاً، وفی الرابعهٔ یعلم الله ما فی نفوسهم من الثبات والإیمان، فیرفرف علی رؤوسهم النصر.ثمّ قال: وأیم الله یذبحون ذبح النّعاج حتّی لا ـ یبقی یهودیّ فی فلسطین.امیرمؤمنان(علیه السلام) فرمود: یهود برای تشکیل دولت خود در فلسطین، از غرب ـ به منطقه عربی خاور میانه ـ خواهند آمد.عرضه داشتند: یا اباالحسن! پس عربها در آن موقع کجا خواهند بود؟فرمود: در آن زمان عربها نیروهایشان از هم پاشیده و ارتباط آنها از هم گسیخته، و متّحد و هماهنگ نیستند.از آن حضرت سئوال شد: آیا این بلا و گرفتاری طولانی خواهد بود؟فرمود: نه، تا زمانی که عربها زمام اُمور خودشان را از نفوذ دیگران رها ساخته و تصمیمهای جدّی آنان دوباره تجدید شود آنگاه سرزمین فلسطین به دست آنها فتح خواهد شد، و عربها پیروز و متّحد خواهند گردید، ونیروهای کمکی از ـ طریق ـ سرزمین عراق به آنان خواهد رسید که بر روی پرچمهایشان نوشته شده: «القوّهٔ»و عربها و سایر مسلمانان همگی مشترکاً برای نجات فلسطین قیام خواهند کرد ـ و با یهودیان خواهند جنگید ـ و چه جنگ بسیار سختی که در وقت مقابله با یکدیگر در بخش عظیمی از دریا روی خواهد داد که در اثر آن مردمان در خون شناور شده و افراد مجروح بر روی اجساد کشته ها عبور کنند.آنگاه فرمود: و عربها سه بار با یهود می جنگند، و در مرحله چهارم که خداوند ثبات قدم و ایمان و صداقت آنها را دانست همای پیروزی بر سرشان سایه می افکند.بعد از آن فرمود: به خدای بزرگ سوگند که یهودیان مانند گوسفند کشته می شوند تا جایی که حتّی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند.

بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب حزقیال نبی

در این کتاب در مورد ظهور حضرت حجّت بن الحسن العسکری(علیهما السلام) و سرنوشت رژیم اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید، و اجرای احکام و حدود الهی در آن عصر درخشان، چنین آمده است:... و امّا تو ای پسر انسان! خداوند یَهْوَه چنین می فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آیید. قربانی عظیمی که بر کوههای اسرائیل، تا گوشت بخورید و خون بنوشید.و خداوند یَهْوَه می گوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جبّاران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد. و من جلال خود را در میان اُمّتها قرار خواهم داد و جمیع اُمّتها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که برایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود. و خاندان اسرائیل از آن روز و بعد، خواهند دانست که یَهْوَه خدای ایشان، من هستم. و اُمّتها خواهند دانست که خاندان اسرائیل به سبب گناه خودشان جلای وطن گردیدند؛ زیرا که به من خیانت ورزیدند.باید توجّه داشت که منظور از «پسر انسان» مانند کلمه «مسیح»، حضرت عیسی(علیه السلام)نیست؛ بلکه مراد از آن، حضرت مهدی(علیه السلام)است، زیرا در انجیل بیش از ۸۰ بار کلمه «پسر انسان» آمده است که تنها در ۳۰ مورد آن حضرت مسیح (علیه السلام)اراده شده است.

بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب حجی نبی

در این کتاب نیز که یکی از کتابهای انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت بقیهٔ الله (علیه السلام) بدین گونه آمده است:یَهْوَه صبایوت چنین می گوید: یک دفعه دیگر ـ و آن نیز بعد از اندک زمانی ـ آسمانها و زمین و دریا و خشکی را متزلزل خواهم ساخت، و تمامی اُمّتها را متزلزل خواهم ساخت، و فضیلت جمیع اُمّتها خواهد آمد... این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت... جلال آخر این خانه از جلال نخستینش عظیمتر خواهد بود، و در این مکان سلامتی را خواهم بخشید.

بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب صفینای نبی

در این کتاب که یکی از کتب انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت ولی عصر(علیه السلام) چنین آمده است:... خداوند در اندرونش عادل است و بی انصافی نمی نماید. هر بامداد حکم خود را روشن می سازد و کوتاهی نمی کند، امّا مرد ظالم حیا را نمی داند. اُمّتها را منقطع ساخته ام که برجهای ایشان خراب شده است و کوچه های ایشان را چنان ویران کرده ام که عبور کننده نباشد. شهرهای ایشان چنان منهدم گردیده است که نه انسانی و نه ساکنی باقی مانده است. و گفتم: کاشکه از من می ترسیدی و تأدیب را می پذیرفتی...بنابر این، خداوند می گوید: برای من منتظر باشید تا روزی که به جهت غارت برخیزم؛ زیرا که قصد من این است که اُمّتها را جمع نمایم و ممالك را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی حدّت خشم خویش را بر ایشان بریزم، زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد؛ زیرا که در آن زمان، زبان پاك به اُمّتها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه ـ خدا ـ را بخوانند و به یك دل او را عبادت نمایند.

بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب دانیال نبی

در کتاب دانیال نبی نیز بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) مطابق بشارات انبیای گذشته، چنین آمده است:... امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است، خواهد برخاست. و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که اُمّتی به وجود آمده است تا امروز نبوده، و در آن زمان هر یك از قوم تو، که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد. و بسیاری از آنانی که در خاك زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد، امّا اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنایی افلاك خواهند درخشید، و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد.امّا تو ای دانیال! کلام رامخفی دار و کتاب راتا زمان آخر مهر کن. بسیاری به سرعت تردّد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید... خوشا به حال آن که انتظار کشد.در این بشارت نکات چندی وجود دارد که برخی از آنها را به طور اختصار توضیح می دهیم:۱ ـ شخص مورد بشارت که در نخستین فراز بشارت مزبور به عنوان «ایستاده» از او تعبیر شده است، قائم آل محمّد(علیهم السلام) است که بزرگترین نماینده انبیای الهی است، و دعوت تمام پیامبران خدا را یکجا در حکومت حقّه خود آشکار ساخته، آیین الهی را بر سرتاسر کره خاکی حکم فرما می نماید.۲ ـ منظور از «زمان تنگی»، زمان بیدادگریها، سختیها، فشارها، ظلم و ستم هایی است که قبل از ظهور آن حضرت در سراسر جهان پیدا می شود، چنان که در روایات اسلامی آمده است:یَمْلَأُ الأرضَ قِسطاً و عَدلا کَما مُلِئت جوراً و ظلماً.۳ ـ منظور از: «آنانی که در خاك زمین خوابیده اند»، گروهی از اموات می باشند که در دولت با سعادت حضرت مهدی(علیه السلام) زنده می شوند، و برخی از آنان از یاران آن حضرت می گردند و در رکاب حضرتش می جنگند و برخی دیگر به سزای اعمال ناشایست خود می رسند.در این زمینه، روایات بسیاری از ائمّه معصومین(علیهم السلام) رسیده است که ما به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می نماییم، و طالبین می توانند به کتابهای مربوطه که در مورد «رجعت» نگاشته شده، مراجعه فرمایند.

بشارت ظهور حضرت مهدی در کتاب انجیل

اشاره

بر اساس بشارات فراوانی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح(علیه السلام)به دنبال قیام حضرت قائم (علیه السلام)در «فلسطین» آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت، و پشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان

و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگروند و حامی حضرت مهدی(علیه السلام)گردند. از این رو، در آخرین روزهای زندگی ـ و شاید در طول دوران حیات ـ به یاران و شاگردان خود توصیه ها و سفارشهای اکیدی در باره بازگشت خود به زمین نموده و آنان را در انتظار گذارده و امر به بیداری و هوشیاری و آمادگی فرموده است که ما به جهت اثبات این مدّعا و بیداری مسلمانان قسمتی از آنها را در اینجا می آوریم.اینک متن برخی از آن بشارات که در انجیل آمده است:

انجیل متی

پس عیسی از هیکل بیرون شده برفت، و شاگردانش پیش آمدند تا عمارتهای هیکل را بدو نشان دهند. عیسی ایشان را گفت: آیا همه این چیزها را نمی بینید؟ هر آینه به شما می گویم: در اینجا سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد که به زیر افکنده نشود. و چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این اُمور کی واقع می شود؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟عیسی در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما راگمراه نکند. ز آن رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید، زنهار مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی ها و وباها و زلزله ها در جایها پدید آید...آنگاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است باور مکنید؛ زیرا که مسیحان کاذب و انبیای کذبه ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی. اینک شما را پیش خبر دادم.پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست بیرون مروید، یا آن که در خلوت است باور مکنید؛ زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد...و فوراً بعد از مصیبت آن ایّام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و قوّتهای افلاک متزلزل گردد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوّت و جلال عظیم می آید...پس از درخت انجیر مثلش را فرا گیرید که چون شاخه اش نازک شده برگها می آورد می فهمید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز چون این همه را ببینید بفهمید که نزدیک ـ بلکه بر در ـ است. هر آینه به شما می گویم...آسمان و زمین زایل خواهد شد؛ لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد.امّا از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتّی ملائکه آسمان جز پدر من و بس؛ لیکن چنان که ایّام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود...پس بیدار باشید؛ زیرا که نمی دانید در کدام ساعت خداوند شما می آید. لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می دانست در چه پاس از شب دزد می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش نقب زند.لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معیّن خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کار مشغول یابد.امّا چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدّس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امّتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند و میش ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید.عیسی ایشان را گفت: هر آینه به شما می گویم: شما که مرا متابعت نموده اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط اسرائیل داوری خواهید نمود. و هر که به خاطر اسم من خانه ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت.

انجیل مرقس

و چون او ـ عیسی ـ از هیکل بیرون می رفت یکی از شاگردانش بدو گفت: ای استاد! ملاحظه فرما چه نوع سنگ ها و چه عمارتها است!عیسی در جواب وی گفت: آیا این عمارتهای عظیمه را می نگری. بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد مگر آن که به زیر افکنده شود.و چون او بر کوه زیتون مقابل هیکل نشسته بود... از وی پرسیدند: ما را خبر ده که این امور کی واقع می شود؟ و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟آنگاه عیسی در جواب ایشان سخن آغاز کرد که: زنهار کسی شما را گمراه نکند. زیرا که بسیاری به نام من آمده خواهند گفت که: من هستم، و بسیاری را گمراه خواهند نمود. امّا چون جنگها و اخبار جنگها را بشنوید مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این حوادث ضروری است. لیکن انتها هنوز نیست. زیرا که اُمّتی بر اُمّتی و مملکتی بر مملکتی خواهند بر خاست، و زلزله ها در جایها حادث خواهد شد و قحطی ها و اغتشاشها پدید می آید، و اینها ابتدای دردهای زه می باشد. لیکن شما از برای خود احتیاط کنید...ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود.مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هر یکی را به شغلی خاصّ مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید! زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید. در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. امّا آنچه به شما می گویم به همه می گویم بیدار باشید!

انجیل لوقا

کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید.و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای اُمّتها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش. و دلهای مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می شود، زیرا قوّت آسمان متزلزل خواهد شد. و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر، ابری سوار شده با قوّت و جلال عظیم می آید.همان گونه که قبلا توضیح دادیم مقصود از «پسر انسان» حضرت مسیح(علیه السلام)نیست، زیرا مطابق نوشته مستر هاکس آمریکایی در «قاموس کتاب مقدّس» این عبارت ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) آمده است که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسای مسیح(علیه السلام) قابل تطبیق است». و امّا ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر زمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد و حضرت عیسی(علیه السلام) نیز با او خواهد آمد، و او را جلال و عظمت خواهد داد، و از ساعت و روز ظهور او جز خداوند ـ تبارک و تعالی ـ کسی اطّلاع ندارد، و او کسی جز حضرت مهدی(علیه السلام) آخرین حجّت خدا نخواهد بود.

انجیل یوحنا

و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا که پسر انسان است. و از این تعجّب مکنید، زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری.مکاشفه یُوحَنّاو علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد. زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پایهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است. و آبستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد بر می آورد.و علامتی دیگر در

آسـمان پدیـد آمـد که اینـک اژدهـای بزرگ آتش گون که او را هفت سـرو ده شـاخ بود و بر سـرهایش هفت افسـر. و دمش ثلث ستارگان آسـمان را کشـیده آنها را بر زمین ریخت و اژدها پیش آن زن ـ که می زایید ـ بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد. پس پسـر نرینه را زاییـد که همه اُمّتهای زمین را به عصای آهنین حکم رانی خواهـد کرد، و فرزندش به نزد خدا و تخت او ربوده شد...و در آسـمان جنگ شد. میکائیل و فرشـتگانش با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش جنگ کردند. ولی غلبه نیافتند، بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد. و اژدهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مُسمّی است که تمام ربع مسکون را می فریبـد. او بر زمین انـداخته شـد و فرشـتگانش با وی انـداخته شدنـد».مفسّـرین انجیل در مورد آیات فوق می گویند: شخص مورد بشارت در این آیات تاکنون قدم به عرصه وجود ننهاده و تفسیر روشن و معنی واضح آنها نیز موکول به زمان آینده و نامعیّنی است که وی ظاهر گردد.ولی با انـدکی دقّت و تأمّل در آیات فوق این نتیجه به دست می آیـد که شـخص مورد بشارت در مکاشـفه یـاد شـده، بزرگترین مولود جهـان انسـانیّت، و شـخص ممتـاز و بی نظیری است که به منظور ایجاد حکومت حقّه الهیّه و بر افکنـدن بنیـاد اهریمنـان، به ناچـار مـدّتی از انظـار مردمـان غایب خواهـد گردیـد، و خداونـد عالم آن یگانه مظهر نور الهی و منجی انسانیّت را از دیدگان اشرار و شیاطین جنّی و انسی مخفی و مستور نگه خواهد داشت تا در یک زمان نامعلومی ـ آنگاه که خواست خداونـد است ـ از پشت پرده غیبت ظـاهر شـده، با «عصای آهنین» بر بشـریّت حکومت کنـد.در قسـمت دیگری از مکاشـفه یوحنّای لاهوتی بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)چنین آمده است:«و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می نماید و چشـمانش چون شـعله آتش، و بر سـرش افسـرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیـچ کس آن را نمی دانـد و جامه خون آلود ـ سـرخ ـ در بر دارد و نام او را کلمه خـدا می خوانند. ولشـکرهایی که در آسـمانند بر اسـبهای سـفید، و به کتان سـفید و پاک ملبّس از عقب او می آمدنـد. و از دهانش شمشـیری تیز بیرون می آید تا به آن اُمّتها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود... و دیدم فرشـته را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسـمان پرواز می کننـد نـدا کرده می گوید: بیایید و به جهت ضـیافت عظیم خدا فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سـپه سالاران و گوشت جبّاران...با نظری دقیق و اجمالی در تمام احادیثی که در مورد ظهور یکتا بازمانده حجج الهی وارده شده است می توان گفت: همه فرازهای بالا در احادیث اسلامی آمده است.

رساله پولس به رومیان

زیرا یقین می دانم که دردهای زمان حاضـر نسـبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهـد شـد، هیچ است.... و آن که برای حکمرانی اُمّتها مبعوث شود، امید اُمّتها بر وی خواهد بود.این تعبیر هم تعبیر دقیقی است که در احادیث اسلامی آمده است، و جالب توجّه این که: همـان گونه که در بشارات تورات تـذکّر دادیم در ترجمه عربی انجیل با تعبیر قائم آمـده است، و تعبیر «حکمرانی اُمّتها» و «امید اُمّتهـا» جالب توجّه است.زیرا این را به شـما از کلام خـدا می گوییم که ما که زنـده و تا آمـدن خداونـد باقی باشـیم بر خوابیـدگان سبقت نخواهیم جست؛ زیرا خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشـتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد، و مردگان در مسیح اول خواهنـد بر خـاست. آنگـاه مـا که زنـده و باقی باشـیم با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شـد تا خداونـد را در هوا اسـتقبال کنیم و همچنین همیشه با خداونـد خواهیم بود.به طوری که خواننـدگان عزیز ملاحظه می کننـد این فراز از عهـد جدیـد با روایات اسـلامی وجوه مشـترک فراوانی دارد که از آن جمله است:۱ ـ نزول حضرت عیسی(علیه السلام)۲ ـ صیحه آسمانی.۳ ـ زنده شدن گروهی از افراد صالح.۴ ـ آمـدن او بر فراز ابر.۵ ـ ربوده شدن یاران حضـرت ولی عصـر(علیه السـلام) از محرابها و رختخوابهای خود، و انتقال یـافتن آنهـا بر فراز ابرهـا، همه این موارد در احـادیث اسـلامی آمـده، و با این فقرات انجیل دقیقاً منطبق است.فراز دیگر از اناجیل را «عبـدالله بن سـلیمان» نقل کرده است که بسـیار جالب است. او می گویـد:من در اناجیل خوانـدم که خداوند به عیسـی(علیه السـلام)

فرمود: «من تو را به سوی خود بالا می برم، سپس تو را در آخر زمان فرو می فرستم تا از اُمّت این پیامبر شگفتیها ببینی، و آنها را در کشتن دجّال یاری دهی، تو را در وقت نماز می فرستم، تا با آنها نماز بخوانی که آنها اُمّت مرحومه هستند».

بشارت ظهور حضرت مهدی در منابع زرتشتیان

در منابع زرتشتیان تصریحات زیادی به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) شده است که قسمتی از آنها را در اینجا می آوریم:۱ـ در کتاب «زند» که از کتب مقدّسه زرتشتیان است در باره انقراض اشرار و وراثت «صلحا» که پس از درهم شکستن شوکت جبّاران و بیدادگران، زمام اُمور جامعه بشری را به دست خواهند گرفت، چنین می گوید:«لشکر اهریمنان با ایزدان دایم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند، و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد، امّا نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند؛ چه، در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد، آنگاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست».۲ـ در بخش «گاتها» که یکی از بخشهای چهارگانه «اوستا» است (بندهای ۸ و ۹) نویدهائی در مورد ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)و سیطره جهانی آن حضرت که قیام شکوهمند او طبق وعده های أنبیاء در آخر الزمان به وقوع خواهد پیوست، چنین آمده است:و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد پس آنگاه ای «مزدا»! کشورت را «بهمن» در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دستهای راستی سپرند، و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند.۳ـ باز در همان بخش «گاتها» تحت عنوان «بامداد روز» نوید ظهور یگانه منجی بشریّت که در پایان جهان خواهد آمد، چنین آمده است:«کی ای «مزدا»! بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فرا گیرد، با آموزشهای فزایش بخش پرخرد رهانندگان، کیانند آنانی که «بهمن» به یاریشان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن، من تو را بر گزیدم ای أهورا».نویسنده کتاب «بشارات عهدین» پس از آن که این دو بشارت را از «گاتها» نقل کرده است چنین می نویسد:مترجم «گاتها»، در پاورقی، «بهمن» را ـ که در این دو بشارت پرچمدار نهضت آخرین معرفی شده ـ نماینده توانایی و منش نیک و راستی و پارسایی دادار اهور مزدا، تفسیر کرده، و روی این اصل، توضیح این دو فراز از «گاتهای زرتشت» از این قرار است:در پایان جهان پیش از رستاخیز عمومی آغاز سزای گناهکاران است که به دست توانای نماینده قدرت و راستی و قدس و عدالت الهی ـ به سزای این جهانی خود خواهند رسید ـ این دولت با سعادت تنها برای کسانی است که دروغ را به دستهای راستی سپرده، و منش زشت را در بوته فراموشی نهاده اند.حقّاً آن زمان درخشان بامداد روز است که صبح دولت حقّه الهیّه دمیدن گیرد و دین راستین ـ آیین ابدی آخرین ـ سراسر جهان را فرا گیرد، آیینی که تمامی آموزشهای پیامبران الهی در آن نمودار است، و آن یگانه نماینده قدرت و عدالت الهی، تمامی آموزشهای صالح و پسندیده رهبران عالیقدر بشریّت را در سراسر جهان منتشر و عملی سازد.چنان که روشن است این دو جمله، بشارت از ظهور موعود اسلام حضرت قائم آل محمّد(علیهم السلام) است، گر چه نامی از آن حضرت به میان نیاورده؛ ولی سلطنت عمومی و عدالت کلّی جهانی که پیشگویی کرده بهترین نشانه آن بزرگمرد الهی است.۴ـ جاماسب، در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» که حوادث گذشته و آینده جهان در آن ثبت شده، و احوالات پادشاهان، انبیا، اوصیا و اولیا را بیان می کند ضمن مطالبی که از قول زرتشت راجع به پیامبران بازگو می نماید، در مورد پیامبر گرامی اسلام و دولت جاودانه حضرت مهدی(علیه السلام) و رجعت گروهی از اموات... چنین می گوید:پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوههای مکّه پیدا شود، و شتر سوار شود، و قوم او شتر سواران خواهند بود، و با بندگان خود چیز خورد، و به روش بندگان نشیند، و او را سایه نباشد و از پشت سر، مثل پیش رو ببیند. و دین او اشرف ادیان باشد، و کتاب او باطل گرداند همه کتابها را، و دولت او تازیک ـ یعنی پادشاهی ـ عجم را بر باد دهد، و دین مجوس و پهلوی

را بر طرف کنـد، و نار سـدیر و آتش کده ها را خراب کند، و تمام شود روزگار پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اشـکانیان.آنگاه در باره ظهور مبارک حضـرت مهدی(علیه السلام) چنین می گوید:و از فرزندان دختر آن پیغمبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد کسـی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشـد در میان دنیا که مکّه باشـد، و دولت او تا به قیامت متّصـل باشـد، و بعـد از پادشاهی او دنیـا تمام شود، و آسـمان جفت گردد و زمین به آب فرو رود و کوهها برطرف شود، و اهریمن کلان را که ضـدّ یزدان و بنـده عاصـی او باشـد بگیرد و در حبس کنـد و او را بکشد.و نام مذهب او برهان قاطع باشد و حق باشد و خلایق را به یزدان بخوانـد، و زنـده گرداند خلق را از بدان و نیکان، و نیکان را جزا دهد، و بدان را سـزا دهد و بسیاری از خوبان و پیغمبران زنـده شونـد، و از بدان گیتی و دشـمنان خدا و کافران را زنده گرداند، و از پادشاهان اقوام خود را زنده کند که فتنه ها در دین کرده باشـند و خوبان بندگان یزدان را کشـته باشند، و همه متابعان اهریمن و تبه کاران را بکشد و نام این پادشاه بهرام باشد...و ظهور او در آخر دنیا باشد... و خروج او در آن زمان شود که تازیان بر فارسیان غالب شوند، و شـهرهای عمّان خراب شود به دست سلطان تازیک، پس او خروج کند و جنگ کند و دجّال را... بکشد.و برود و قسطنطیّه را بگیرد و علمهای ایمان و مسلمانی در آنجا برپا کند، و عصای سرخ شبانان با هودار (که موسی(علیه السلام)باشد) با او باشد، و انگشتر و دیهیم سلیمان با او باشد، و جنّ و انس و دیوان و مرغـان و درنـدگان در فرمـان او خواهنـد بود...و همه جهان را یک دین کنـد، و دین گبری و زرتشتی نمانـد، و پیغمبران خـدا و حکیمـان و پری زادان و دیـوان و مرغـان و همـه اصـناف جـانوران و ابرهـا و بادهـا و مردان سـفید رویـان در خـدمت او باشند...جاماسب» در ادبیات ایران و عرب به لقب «فرزانه» و «حکیم» خوانده شده است، و پیش گویی هایی نیز به او نسبت داده اند، و ظاهراً حکیمی ستاره شناس بوده است، و به قول مؤلّف کتاب «حبیب السیر»: وی شاگرد لقمان و برادر «گشتاسب» است، و در علم نجوم مهـارت کامل داشـته است.علاّمه دهخـدا در کتاب «لغت نامه» راجع به وی می نویسـد:نامه ای از او دیـده شـده که به پارسـی قـدیم است و نـام آن فرهنـگ ملوک و اسـرار عجم است، و عنوان آن به نـام گشـتاسب شـاه است، و نظرات کواکب را به رمز بیان نموده و مقارنـات اختران را طـالع وقت نهـاده و بر آن زایچه حکم نموده.گوینـد: پنـج هزار سـال از روزگـار آینـده را باز نموده، از سلاطین و انبیا خبر داده، در آنجا حضـرت موسـی(علیه السـلام) سرخ شبان با هودار و حضرت مسیح(علیه السلام) را پیغمبر خرنشین که او را به نام مادر، باز خوانند. و از حضرت رسول عربی به «مهرآزما» تعبیر کرده، و بعضی سخنان وی موافق روزگار گذشته است و برخی مخالف، والله أعلم بالصواب.مؤلّف کتاب «بشارات عهـدین» پس از آن که بشارتی را از کتاب «جاماسب» نقل می کند ذیل کلمه جاماسب در پاورقی چنین می نویسـد:صاحبان سِیَر و تواریـخ می نویسـند: ظهور جاماسب برادر گشـتاسب بن سـهراب به سال ۴۹۹۶ پس از هبـوط [حضـرت] آدم(علیـه السـلام) بـوده، وی مـدّتی در نزد زرتشـت کسـب معـارف نمـوده و مـدّتی هـم شـاگرد (چنکرمکهاجه) هندی بوده است.وی در کتاب «جاماسب نامه» از زمان خود تا پنج هزار سال [آینده را] پیش بینی نموده و قبرش در خفرک فـارس است.۵ ـ بـاز در کتـاب جامـاسب، موافـق برخی از مضـامین بشـارات گذشـته در مـورد دولـت بـا سـعادت حضـرت مهـدی(علیه السـلام) و صـلح بهائم و برافکنـدن ریشه ظلم و فساد، و همچنین حکومت واحد جهانی و اجتماع عموم بشـریّت بر دین مبین اسـلام، و این که حضـرت مهدی(علیه السـلام)پیرو اسـلام و تابع دین جدّش پیامبر اکرم می باشد، چنین می گوید:مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سـر و بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر دین جدّ خویش بود، با سپاه بسیار، روی به ایران نهـد و آبادانی کند، و زمین پر داد کند، و از داد وی باشد که گرگ با میش آب خورد.و مردم بسـیار شوند، و عمر دیگر باز، به درازی کشـد و بـاز گردد چنـان که مردی بود که او را پنجـاه فرزنـد بود نر و ماده، و کوه و دشت پر از مردم شود، و پر از حیوان شود، و همچون عروسـی شود.و همه کس به دین مهر آزمای (یعنی دین حضرت محمّد(صلی الله علیه وآله وسلم)) باز آیند، و جور و آشـوب از جهـان برخیزد، چنـان که فراموش کننـد که چـون سـلاح بایـد داشـتن، و اگر وصـف نیکـویی آن کنم تلـخ گردد این زندگانی که ما بدو اندریم.۶ ـ در «زند و هومن یسن» از ظهور شخصـیّت فوق العاده ای بنام «سوشیانس» (نجات دهنده بزرگ) خبر

داده و در باره نشانه های ظهور وی چنین می گوید:نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می کند، و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند، و به همه دنیا پیام می فرستند.آنگاه به مقاومت شریران در برابر او اشاره کرده و نوید می دهد که سرانجام همگی در برابر او سر تعظیم فرود می آورند.۷ ـ هنگامی که «گشتاسب» در مورد کیفیت ظهور «سوشیانس» و چگونگی اداره جهان می پرسد، جاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می دهد:سوشیانس (نجات دهنده بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را همفکر و همگفتار و همکردار گرداند.در اینجا لازم است این نکته را یادآور شویم که، اعتقاد به ظهور «سوشیانس» در میان ملّت ایران باستان به اندازه ای رایج بوده است که حتّی در موقع شکستهای جنگی و فراز و نشیبهای زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات دهنده مقتدری، خود را از یأس و نا امیدی نجات می دادند.شاهد صادق این گفتار این که، در جنگ قادسیّه پس از درگذشت رستم فرّخ زاد، سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی، با افراد خانواده خود آماده فرار می شد، بهنگام خارج شدن از کاخ پرشکوه مدائن، ایوان مجلّل خود را مورد خطاب قرار داده و گفت:هان ای ایوان! درود من بر تو باد، من هم اکنون از تو روی برمی تابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او نرسیده است به سوی تو برگردم.سلیمان دیلمی می گوید: من به محضر امام صادق(علیه السلام) شرفیاب شدم و مقصود یزدگرد را از جمله «یکی از فرزندان خود» از آن حضرت پرسیدم، حضرت فرمود:او مهدی موعود(علیه السلام) و قائم آل محمّد(علیهم السلام) است که به فرمان خداوند در آخر زمان ظهور می کند. او ششمین فرزند من، و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می باشد.

حضرت مهدی در روایات شیعه

اشاره

درمنابع و مصادر روایی و حدیثی شیعه همچون کتاب ارزشمند کافی، کتاب الغیبهٔ طوسی و نعمانی و... روایات بسیاری وجود دارد که امامان معصوم ـ علیهم السلام ـ در موقعیتها و مناسبتهای گوناگونی در مورد حضرت مهدی ـ علیه السلام ـ سخنانی بیان فرموده اند و این نشانگر اهمیّت و حساسیت این مطلب از دیدگاه آنان است.و اگر در برخی روایات به طور سربسته این مطلب بیان شده است این بخاطر شرایط و محدودیت های آن زمان می باشد بگونه ای که به عدّه ای از آن بزرگواران اجازه نمی دادند تا این اصل عقیدتی، اجتماعی و دینی را بصورت روشن تری بیان کنند.در این باره به شاخه گلی از بوستان گفتار رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله ـ و دیگر معصومان ـ علیهم السلام ـ اشاره می کنیم:

پیامبر

۱ـ قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه وآله: المهدی علیه السلام ـ من ولدی اسمه اسمی وکنیته کنیتی أشبه النّاس بی خلقاً وخلقاً تکون له غیبهٔ وحیرهٔ تضل فیه الأُمم ثمّ یقبل کالشهاب الثاقب فیملأها عدلاً وقسطاً کما ملئت ظلماً وجورا. [۱] .رسول خدا فرمودند: مهدی ـ علیه السلام ـ از فرزندان من است اسمش اسم من است و کنیه اش کنیه ی من، از نظر اخلاق و خلقت از همه مردم به من شبیه تر است. برای او غیبت و حیرتی است که امّتهایی در آن دوران گمراه می شوند سپس ظاهر می شود همچون شهابی که روشنایی می دهد و بسرعت حرکت می کند و زمین را از عدل و قسط پر می کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد.۲ـ و عن أبی عبد اللّه علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه وآله: طوبی لمن أدرک قائم أهل بیتی وهو مقتد به قبل قیامه یأتمّ به وبأئمهٔ الهدی من قبله ویبرئ الی اللّه من عدوّهم أُولئک رفقایی وأکرم أُمّتی علیّ [۲] .پیغمبر اکرم ـ صلّی اللّه علیه وآله ـ فرمود: خوشا بحال کسی که

قائم اهل بیت مرا درک کند و به او اقتدا کند قبل از قیامش، پیرو او و تابع ائمه ی هدایت قبل از او باشد و از دشمنان ایشان به سوی خدا پناه آورد ایشان رفیقان من هستند و گرامیترین افراد امّت، نزد من می باشند.

حضرت امیرمؤمنان علی

حضرت مولی الموحدین علی بن ابی طالب (علیه الصلاهٔ والسلام) ضمن خطبه ای در ستایش پیامبر ـ صلّی اللّه علیه وآله ـ فرمودند:۱ـ فنحن أنوار السموات والأرض وسفن النجاهٔ وفینا مکنون العلم وإلینا مصیر الأُمور وبمهدّینا تقطع الحجج فهو خاتم الأئمهٔ ومنقذ الأُمّهٔ ومنتهی النور وغامض السرّ، فلیهنأ من استمسک بعروتنا وحشر علی محبّتنا. [۳] .ما نورهای آسمان و زمین و کشتیهای نجات هستیم. دانش، در ما نهان است و ما گنجینه ی آنیم و سرانجام کارها بسوی ماست و مهدی ما، آخرین حجّت است. او آخرین امام معصوم، نجات بخش امّتها، آخرین نور رسالت و امامت و معمّای پیچیده ی آفرینش است. گوارا باد آنان را که به رشته محبّت و ولایت ما چنگ زده و با محبّت ما محشورند.نیز حضرت جواد ـ علیه السلام ـ از پدران گرامیشان آورده است که امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ فرمود:۲ـ للقائم منّا غیبهٔ أمدها طویل کأنّی بالشیعهٔ یجولون جولان النعم فی غیبته. یطلبون المرعی فلا یجدونه ألاـ فمن ثبت منهم علی دینه ولم یقس قلبه لطول أمد إمامه فهو معی فی درجتی یوم القیامهٔ. [۴] .برای قائم ما غیبتی بسیار طولانی است و من شیعیان را می نگرم که در غیبت او بسان گلّه بدون شبان سرگردان دنبال چراگاهند و نمی یابند. آگاه باشید که هر کس از اینان بر دین خویش استوار باشد و بخاطر غیبت طولانی آن حضرت قلبش سخت نگردد چنین کسی با من است و در قیامت در درجه ی من.

حضرت فاطمه

عن جابر بن عبداللّه الانصاری قال دخلت علی فاطمهٔ ـ علیها السلام ـ وبین یدیها لوح فیه أسماء الأوصیاء من ولدها فعددت أثنی عشر آخرهم القائم ـ علیه السلام ـ ثلاثهٔ منهم محمد وثلاثهٔ منهم علیّ. [۵] .جابربن عبدالله انصاری می گوید: خدمت حضرت فاطمه ـ علیها السلام ـ رسیدم، در دستان آن حضرت لوحی را دیدم که نام تنی چند از فرزندانش را که از جانشینان پیامبر ـ صلی الله علیه و آله ـ بودند در آن دیدم، شمردم دوازده نفر بودند و آخرین آنها قائم ـ علیه السلام ـ بود، سه نفر از آنها محمد و سه نفر علی در آنها دیده می شد.

امام حسن مجتبی

امام حسن مجتبی ـ علیه السلام ـ فرمودند:... أما علمتم انّه ما منّا أحد الا ویقع فی عنقه بیعهٔ لطاغیهٔ زمانه إلّا القائم الذی یصلّی روح اللّه عیسی بن مریم خلفه، فإنّ اللّه عزّ وجلّ یخفی ولادته ویغیب شخصه لئلّا یکون لأحد فی عنقه بیعهٔ إذا خرج ذاک التاسع من ولد أخی الحسین ابن سیّدهٔ الاماء یطیل اللّه عمره فی غیبته، ثمّ یظهره بقدرته فی صورهٔ شابٍّ ابن دون أربعین سنهٔ، ذلک لیعلم انّ اللّه علی کل شیء قدیر [۶] .مردم! آیا نمی دانستید که هر کدام از ما خاندان وحی و رسالت مجبور به بیعت با حکمران طغیانگر زمان خود می شویم مگر قائم ـ ارواحنا فداه ـ که حضرت عیسی بن مریم روح اللّه به او اقتدا می کند و نماز می خواند چرا که خداوند ولادت او را مخفی و شخص او را نهان می دارد تا هنگامی که به دستور او ظهور کند بیعت قدرتمداری را به گردن نداشته باشد او نهمین امام معصوم از نسل برادرم حسین ـ علیه السلام ـ است و فرزند بهترین کنیزان. خداوند در غیبت او عمر او را طولانی می کند و سپس به قدرت خویش او را در چهره ی جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می سازد تا همگان بدانند که خداوند بر هر کاری تواناست.

امام حسین

حضرت سیدالشهداء ـ علیه السلام ـ فرمود:۱ـ لو لم یبق من الـدنیا إلاّ ـ یوم واحـد لطوّل اللّه عزّ وجلّ ذلک الیوم حتّی یخرج رجل من ولـدی یملأها عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلمًا، کذلک سـمعت رسول اللّه صـلی اللّه علیه وآله یقول. [۷] .اگر از عمر این جهـان تنها یک روز باقی مانـده باشـد خداونـد آن روز را طولانی می سازد تا مردی از فرزنـدان من ظهور کنـد و جهان را همانگونه که از ظلم و جـور لـبریز گشـته است از عـدالت پر سـازد. این واقعیت را همین گـونه پیـامبر خـدا ـ صـلّی اللّه علیه وآله ـ فرمود.و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمودند:۲ـ لو قام المهدی لأنکره الناس، لأنّه یرجع إلیهم شابّاً وهم یحسبونه شیخاً کبیراً. [۸] .ا گر مهدی ـ علیه السـلام ـ قیـام کنـد مردم او را انکـار می کننـد و نمی شناسـند زیرا آن حضـرت در اوج جوانی ظهور می کنـد و حال آنکه آنها می پندارند که او پیر و کهنسال است.

حضرت سجاد

بعد از شـهادت سیدالشهداء ـ علیه السلام ـ در شام حضرت سجّاد ـ علیه السلام ـ در روز جمعه ای که یکی از سردمداران یزید خطبه ی شوم خود را می خواند، امام سجاد ـ علیه السلام ـ در آنجا بپا خواست و او را با تندی خطاب کرد و بعد مطالبی ایراد نمود؛ از آن جمله فرمود:۱ـ أیّها الناس! أعطینا ستّاً وفضّلنا بسبع، أعطینا العلم والحلم والسـماحهٔ والفصاحهٔ والشجاعهٔ والمحبّهٔ فی قلوب المؤمنین وفضّلنا بأنّ منّا النبیّ المختار ومنّا الصدّیق ومنّا الطیّار ومنّا أسد اللّه وأسد رسوله ومنّا سبطی هذه الأُمّهٔ ومنّا مهدیُّ هذه الأُمّهٔ...هان ای مردم! خدا به ما شـش ویژگی عطا فرموده و با شش امتیاز ما را بر همگان فضیلت و برتری بخشیده است خدا به ما نعمت گران بهای دانش، بردباری، سخاوت، فصاحت و شجاعت عنایت فرمود؛ و بذر مهر و محبّت ما را بر دلها و قلبهای باایمان افشانده است. و نیز ما را به هفت ویژگی برتری و فضـیلت بخشـیده است پیامبر برگزیـده ی خـدا از ماست و صـدّیق امّت امیر مؤمنان و جعفر طیّار و حمزه شیر خـدا و پیـامبر و دو نـواده ی گرانمـایه ی پیـامبر حسن و حسـین ـ علیهـا السـلام ـ و مهـدیّ این امّت از مـاست.و نیز آن حضـرت فرمودند:۲ـ القائم منّا تخفی ولادته علی النّاس حتّی یقولوا: لم یولد بعد، لیخرج حین یخرج ولیس لأحد فی عنقه بیعهٔ. [۹] .قائم که از مـاست ولادت او بر مردم مخفی می مانـد به گونه ای که مردم می گوینـد: او هنوز بـدنیا نیامـده است تا بـدینگونه ظهور کنـد و به هنگامه ی ظهور، بیعت هیچ کس را بر عهده نداشته باشد.

امام محمد باقر

ابو جـارود از امام باقر ـ علیه السـلام ـ آورده است که روزی به من فرمود:۱ـ یـا أبا جارود! إذا دار الفلک وقال الناس: مات القائم أو هلک، بأیِّ واد سـلک وقال الطالب: انّی یکون ذلک وقـد بلیت عظامه فعنـد ذلک فأرجوه، فإذا سـمعتم به فأتوه ولو حبواً علی الثلـج. [۱۰] .ی عنی ای ابـا جارود اگر روزگار به گونه ای بود که مردم گفتنـد: قائم آل محمّـد ـ علیهم السـلام ـ از دنیا رفته یا به شـهادت رسـیده و یا سـرنوشت او روشن نیست و دیگری گفت که از کجا چنین خبری خواهد بود... در همان اوج حیرت و ناامیدی و تردید مردم، تو به ظهور او امیـدوار بـاش و هنگامی که خبر ظهور او را شـنیدی به هر صورت ممکن، حتی خزیـدن بر روی برف بسوی او بشـتاب.و همچنین بانوی دانش پژوهی به نام «امّ هانی» می گویـد: بامـدادی بر حضـرت باقر ـ علیه السـلام ـ وارد شـدم و گفتم:۲ـ یا سیـدی! آیهٔ فی کتاب اللّه عزّ وجلّ عرضت بقلبی فاقلقتنی واسـهرتنی قال: فاسألی یا أُمّ هانی قالت: قلت قول اللّه عزّ وجلّ: (فلا أقسـم بـالخنّس الجوار الکنّس) قال: نِعْمَ المسألـهٔ سألتینی یا أُمّ هانی! هـذا مولود فی آخر الزمان، هو المهـدی من هـذه العترهٔ تکون له حیرهٔ وغیبهٔ یضلّ فیها أقوام ویهتدی فیها أقوام، فیاطوبی لکِ ان أدرکتیه ویاطوبی لمن أدرکه. [۱۱] .سرورم! آیه ای از قرآن شریف ذهن و

فکرم را بخود مشغول داشته و خوابم را ربوده است فرمود: کدام آیه ام هانی، بپرس! گفتم: این آیه ی شریفه (فلاـ أَقسم بالخنس الجوار الکنّس)فرمود: خوب مسأله ای پرسیدی ای ام هانی این مولودی است در آخر الزمان او مهدی عترت پیغمبر است برای او غیبت و حیرتی است که گروهی در آن گمراه می گردند و گروههایی راه حق و هدایت را می یابند. خوشا بحالت اگر او و زمان او را درک کنی... و خوشا بحال آنانکه او را درک کنند.

امام جعفر صادق

از امام صادق ـ علیه السلام ـ روایت شده که فرمودند:من أقرّ بجمیع الأئمّـهٔ ـ علیهم السلام ـ وجحد المهدی کان کمن أقرّ بجمیع الأنبیاء وجحد محمّداً ـ صلّی اللّه علیه وآله ـ نبوّته. فقیل له: یابن رسول اللّه فمن المهدی من ولدک؟ قال ـ علیه السلام ـ: الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه ولا یحلّ لکم تسمیته.هر کس به همه ی امامان اهل بیت ـ علیهم السلام ـ ایمان آورد و مهدی آنان را نپذیرد بسان کسی است که به همه ی پیامبران خدا ایمان آورد امّا رسالت آخرین آنان محمّد ـ صلّی اللّه علیه وآله ـ را انکار کرده باشد. از آن حضرت سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! مهدی ـ علیه السلام ـ کیست آیا از فرزندان شماست. فرمودند: پنجمین امام از نسل پسرم «موسی» است او از نظرها غایب می گردد و آوردن صریح نام مقدسش برای شما روا نیست.

امام موسی کاظم

یونس بن عبدالرحمن آورده است که بر امام هفتم علیه السلام وارد شدم و گفتم: یابن رسول اللّه! أنت القائم بالحق؟ فقال ـ علیه السلام ـ «أنا القائم بالحق ولکنّ القائم الذی یطهّر الأرض من أعداء اللّه ویملأها عدلاً کما ملئت جوراً هو الخامس من ولدی، له غیبهٔ یطل أَمَدُها خوفاً علی نفسه، یرتدّ فیها أقوام ویثبت فیها آخرون... طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا ـ وفی نسخهٔ: بحبّنا ـ فی غیبهٔ قائمنا، الثابتین علی موالاتنا والبراءهٔ من أعدائنا أُولئک منّا ونحن منهم، قد رضوا بنا أئمّهٔ ورضینا بهم شیعهٔ وطوبی لهم هم ـ واللّه ـ معنا فی درجتنا یوم القیامهٔ. [۱۲] .سرورم آیا شما قائم به حق هستید فرمود: آری من قائم به حق هستم امّا آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می سازد و آن را همانگونه که هنگامه ی ظهورش از ستم و بیداد لبریز است از عدل و داد سرشار و مالامال می سازد، او پنجمین امام از نسل من است. او به فرمان خدا و برای حفظ جان خویش، غیبتی طولانی خواهد داشت به گونه ای که گروههایی راه ارتداد در پیش می گیرند و گروهی در دین خدا و اعتقاد به امامت ثابت قدم می مانند. آنگاه فرمود: خوشا به حال شیعیان ما آنانکه در عصر غیبت قائم ما به ریسمان ولایت و محبّت اهل بیت چنگ زده و بر دوستی ما پایدار بوده و به بیزاری از دشمنان ما استوارند؛ آنان از ما هستند و ما از آنان، آنان به امامت ما خشنودند و ما به پیروی آنان از اهل بیت پیامبر خویش. راستی که خوشا به حال آنان! بخدای سوگند که آنان در روز رستاخیز با ما و در درجه ی ما خواهند بود.

امام علی بن موسی الرضا

هنگامی که دعبل خزاعی آن شاعر اندیشمند اهل بیت ـ علیهم السلام ـ بر حضرت رضا ـ علیه السلام ـ وارد شد و قصیده ی معروف خویش را خواند تا به این شعر رسید که:خروج امام لا محالهٔ خارج یقوم علی اسم اللّه والبرکاتِیمیّز فینا کلّ حق وباطل ویجزی علی النعماء والنقماتِقیام شکوهمند امام راستین از خاندان رسالت که بی تردید ظهور خواهد نمود در پرتو نام بلند خدا و برکات اودر بین ما حق و باطل را از هم جدا می کند و بر نعمت ها و کردارهای شایسته و نیز بیدادها و ناهنجاریها کیفر در خور خود را خواهد داد.امام رضا ـ علیه السلام ـ به شدّت گریست و فرمود:یا خزاعی! نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین... فهل تدری من هذا الامام؟ ومتی یقوم؟ فقال: لا یا مولای!... إلاّ أنّی سمعتُ بخروج امام منکم یطهّر الأرض من الفساد ویملأها عدلاً کما ملئت جوراً.»

فقال الامام ـ علیه السلام ـ یا دعبل الامام بعدی: محمّد ابنی وبعد محمّد ابنه علی وبعد علی ابنه الحسن وبعد الحسن ابنه الحجّهٔ القائم المنتظر فی غیبته المطاع فی ظهوره، لو لم یبق من الـدنیا إلاّ یوم واحـد لطوّل اللّه ذلک الیوم حتّی یخرج فیملأ الأرض عدلاً کما ملئت جوراً. [۱۳] .ای دعبل خزاعی! روح القـدس بر زبان تو این دو بیت را گـذارد. آیا می دانی این امام کیست و کی قیام می کند؟ پس عرض کرد نه مولای من! مگر اینکه من شـنیده ام امامی از شـما خروج می کنـد که زمین را از فساد پاک می کنـد و آنرا پر از عدل می سازد همچنانکه از جور پر شده باشد. پس امام ـ علیه السـلام ـ فرمود: ای دعبل! امام بعد از من محمّد پسرم و بعد از محمّد، علی پسـرش و بعد از علی پسرش حسن و بعد از حسن پسرش حجّت قائم است که در غیبت انتظار او کشیده می شود و زمان ظهور او و از او اطاعت می شود اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند تا او خروج کند و زمین را پر از عدل کند چنانکه از جور پر شده است. بعد در ادامه ی فرمایشاتشان فرمودند که کسـی از وقت ظهور او خبر ندارد و ناگهان به شما ظاهر خواهد شد.

امام جواد

حضـرت عبدالعظیم حسـنی نقل می کند به محضر امام جواد ـ علیه السلام ـ شرفیاب شدم و تصمیم گرفتم که از او بپرسم آیا او قائم آل محمّـد ـ صـلّی اللّه علیه وآله ـ است یـا دیگری؛ امّـا پیش از آنکه سـخن آغاز کنم فرمود:یا أبا القاسم! انّ القائم منّا هو المهـدیّ! الـذی یجب أن یُنتظَر فی غیبته ویطـاع فی ظهوره وهو الثـالث من وُلـدی. والّـذی بعث محمّـدا ـ صـلّی اللّه علیه وآله ـ بـالنّبوهٔ وخصّـنا بالامامـهٔ انّه لو لم یبق من الـدنیا إلاّ یوم واحـد لطوّل اللّه ذلک الیوم حتّی یخرج فیه فیملأ الأرض قسطـاً وعدلاً کما ملئت جوراً وظلماً وانّ اللّه تبـارک وتعـالی یصـلح له أمره فی لیلـهٔ. کمـا أصـلح أمر کلیمه موسـی ـ علیه السـلام ـ إذ ذهب لیقتبس لأـهله ناراً فرجع وهو رسول نبیّ. [۱۴] .ای ابا القاسم! همانا قائم از ما، مهـدی ـ علیه السـلام می باشد آن کسـی که واجب است در زمان غیبتش، انتظارش را برنـد و پس از ظهورش فرمانش را اطاعت کننـد و او سومین فرزنـد از نسل من است. قسم به خدایی که محمّد را به نبوّت مبعوث نمود و ما را به امامت برگزیـد اگر از عمر این جهان تنها یک روز باقی مانـده باشـد خداونـد آن روز را طولانی خواهد ساخت تا او ظهور نموده، جهان را پر از عـدل و داد سازد، همانگونه که به هنگامه ی ظهورش از سـتم و بیـداد لبریز است. خداوند کار قیام او را در یک شب اصـلاح می کنـد همانگونه که کار رسالت و نبوت کلیم خود، موسـی بن عمران را به هنگامی که بسوی آتش رفت تا برای خانواده ی خود از آن برگیرد، اصلاح فرمود و او در حالی بازگشت که به رسالت برانگیخته شده بود.

امام هادی

مرحوم صـدوق از ابی دلف آورده است که گفت: خود از حضـرت هادی ـ علیه السلام ـ شـنیدم که فرمود:انّ الامام بعـدی الحسـن ابنی وبعد الحسن ابنه القائم، الذی یملأ الأرض قسطـاً وعدلاً کما ملئت جوراً وظلماً. [۱۵] .امام پس از من فرزنـدم حسن است و پس از او پسرش «قائم» می باشد، همو که زمین را از عدل و داد پر می کند همانگونه که از ستم و بیداد لبریز شده باشد.

امام عسکری

احمـد بن اسـحاق که از اصـحاب امام عسـکری ـ علیه السـلام ـ است می گوید: خود از امام عسـکری ـ علیه السـلام ـ شـنیدم که می فرمود: الحمـد للّه الـذی لم یُخرجنی من الدنیا حتّی أرانی الخلف من بعدی، أشـبه الناس برسول اللّه صـلّی اللّه علیه وآله خلقاً وخُلقاً، یحفظه اللّه تبارک وتعالی فی غیبته، ثمّ یُظْهره فیملأ الأرض عدلاً وقسطـاً کما ملئت جوراً وظلماً. [۱۶] .خدای را سپاس که مرا از این جهـان بیرون نـبرد تـا جانشین و امـام پس از مرا به من نشـان داد. پسـرم در چهره، خلق و خوی، شبیه ترین مردم به پیـامبر خـداست.

خداوند او را در دوران غیبتش حفظ خواهد کرد و آنگاه او را فرمان ظهور خواهد داد و آن حضرت، زمین را از عدل و داد لبریز خواهد ساخت همانگونه که از ستم و بیداد پر شده باشد.

مهدی در آیینه فرق اسلامی و متصوفه

آنچه که از نظر به عقائد فرق مختلف اسلامی اعمّ از سنّی و شیعه بدست می آید این است که همه ی فرق اسلامی در مسأله ی اعتقاد به حضرت قائم ـ ارواحنا فداه ـ که زمین را از عدل و داد پر می کند، متّحد هستند؛ اگر چه برخی دارای عقائد ناصواب و متشتّت در مود شخص آن حضرت اند و خود نشان دهنده ی کثرت اهتمام دین اسلام به مسأله ی مهدویّت می باشد به تعبیر دیگر آن قدر رسول خدا ـ صلّی اللّه علیه وآله ـ و ائمه معصومین ـ علیهم السلام ـ به قضیّه قیام حضرت مهدی ـ ارواحنا فداه ـ و برپا سازی حکومت عدل در سراسر جهان بدست مبارک آن حضرت تأکید فرموده اند که جای هیچگونه انکاری برای مسلمانان نگذاشته و فرق مختلف اگر چه باطل بوده و رؤسای آنها واقف به بطلان مذهب خود می باشند ولیکن این مسأله را نتوانسته اند انکار کنند و همگی بدان اقرار نموده اند.

فرق شیعی و مهدویت

کلمه ی شیعه در لغت به معنای پیرو و تابع است و در کلام رسول خدا ـ صلّی اللّه علیه وآله وسلّم ـ چنانچه از طریق شیعه و سنّی به کثرت روایت شده کسانی هستند که معتقد به خلافت و جانشینی دوازده نفر از اهل بیت پیغمبر خدا [که نام آنها نیز از طریق روایات عامّه و خاصّه تصریح شده است] باشند و اگر کسی یک نفر از اینها را انکار کند همه را انکار کرده و شیعه و پیرو دین خدا نیست و اگر هم آنها را بعنوان فرقه های شیعی در این جا ذکر می کنیم از این باب است که در برابر اهل تسنن می باشند که آنها از ابتدا هیچکدام از خلفای رسول خدا را به عنوان امام و جانشین آن حضرت نمی دانند والاّ فرقه ی شیعه یک فرقه بیشتر نیست و مانند سایر فرق احداث نشده است بلکه به نصّ کلمات رسول خدا پیروان واقعی مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و یازده فرزند معصوم آن بزرگوار که آخرین شان حضرت بقیّهٔ اللّه الاعظم حجّهٔ بن الحسن المهدی ـ ارواحنا فداه ـ می باشند.لازم به تذکّر است کسانی هم که قائل به امامت این دوازده نفر باشند ولیکن برای خود قطبی قائل باشند که مدعی مقام ولایت کلیّه ائمّه بوده و یا قائل به شیخی باشند که معرفت او را همچون معرفت امام زمان واجب بدانند. مانند فرق متصوفه و شیخیه و... آنها هم از جرگه تشیع خارج اند و هر کس غیر دین اسلام ـ با تمام آنچه که پیغمبر خدا از جانب خدا آورده ـ را اختیار کند از او قبول نمی شود ـ چه از آن کم کرده باشند و چه زیاد کرده باشد. و مصداق آیه ایمان به بعض کتاب وانکاربعض خواهند بود.فرقه های شیعی در زمان ائمه ـ علیهم السلام ـ به گروههای مختلفی تقسیم شدند و هر کدام راهی را پیمودند و به گمراهی و ضلالت افتادند چنانکه اهل سنّت از ابتدا گمراه شدند. و ما در اینجا نظر تعدادی از این فِرَق را ذکر می کنیم تا معلوم شود که مسأله ی مهدویّت مسأله ی اتفاقی بین همه ی فرقه هاست.

کیسانیه

فرقه ی کیسانیه بر این باورند که مهدی موعود از اولاد امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ است و او کسی جز محمّد بن حنفیّه فرزند آن حضرت نیست. شیخ جلیل ابو محمّد حسن بن موسی نوبختی خواهرزاده ی ابو سهل نوبختی که از علمای عهد غیبت صغری است در کتاب «فِرق و مقالات» فرموده است: بعد از شهادت حضرت سیدالشهداء ـ علیه السلام ـ فرقه ای قائل شدند به اینکه محمّد بن حنفیّه امام هادی مهدی است و اوست وصیّ علیّ بن ابی طالب ـ علیه السلام ـ و نیست برای احدی از اهل بیت او که او را مخالفت

کند و بیرون رود از امامتش و شمشیر بکشد مگر به اذن او و بیرون نرفت حسین ـ علیه السلام ـ برای قتال یزید مگر به اذن او و اگر بیرون رفته بود بی اذن او هلاک و گمراه بود و این که هر که مخالفت کند محمّد را کافر و مشرک است...و چون محمّد بن حنفیّه وفات کرد در مدینه در ماه محرم سنه ی هشتاد و یک اصحاب او سه فرقه شدند گروهی گفتند: محمّد بن حنفیه مهدی است و علی ـ علیه السلام ـ او را مهدی نامید و او نمرده ولکن غایب شده و معلوم نیست در کجاست و بزودی رجوع می کند و پُر می کند زمین را از عدل و امامی نیست بعد از غیبت او تا اینکه باز گردد...بعضی از آنان نیز قائل به موت او شدند و پسرش ابو هاشم عبداللّه بن محمّد را مهدی موعود می دانندو غیر ایشان نیز مذاهب دیگری از این فرقه باطل وجود دارد که همگی منقرض شده اند و این خود کافی است در بطلان آنها چرا که گفته ایشان با اجماع و اخبار متواتر مخالف بوده و مهدی آنان از دنیا رخت بسته و هرگز حتی قریه ای را پر از عدل نکرد چه رسد به سراسر گیتی.

فرقه مغیریه

مغیریه، اصحاب مغیرة بن سعید که بعد از وفات حضرت امام محمّد باقر ـ علیه السلام ـ مذهبی اختراع نمود و محمّد بن عبداللّه بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب ـ علیهم السلام ـ را مهدی می دانند و می گویند که او زنده است و نمرده و در کوهی که او را علمیه می گویند زندگی می کند. و آن کوهی است در راه مکّه در حدّ حاجز سمت چپ. کسی که به مکه می رود و آن کوه بزرگی است و در آنجاست تا خروج کند و محمّد در مدینه خروج کرد و همان جا کشته شد. [۱۷] .

فرقه اسماعیلیه خالصه

اسماعیلیه خالصه، که منکر فوت اسماعیل، پسر حضرت صادق علیه السلام شدند و او را بعد از آن حضرت امام حی و مهدی قائم می دانند. [۱۸] .

فرقه واقفیه

واقفیّه که حضرت موسی بن جعفر ـ علیهما السلام ـ را قائم و مهدی موعود می دانند لکن بعضی معترفند به وفات آن جناب و می گویند زنده می شود و عالم را مسخّر می کند و بعضی می گویند از حبس سندی بن شاهک بیرون آمد در روز و کسی او را ندید و اصحاب هارون الرشید شایع کردند بر مردم که او مرده است و او نمرده و غایب شده است!

انتظار ظهور منجی در بین یهود و نصاری

اشاره

نویسنده آمریکایی کتاب «قاموس مقدّس»، درباره شیوع اعتقاد به ظهور، و انتظار پیدایش یک «منجی بزرگ جهانی» در میان قوم «یهود» چنین می نویسد:عبرانیان منتظر قدوم مبارک «مسیح» نسلاً بعد نسل بودند، و وعده آن وجود مبارک... مکرّراً در «زبور» و کتب انبیا، علی الخصوص، در کتاب «اشعیا» داده شده است. تا وقتی که «یحیای تعمید دهنده آمده»، به قدوم مبارک وی بشارت داد، لیکن یهود آن نبوآت (پیشگوییها) را نفهمیده با خود همی اندیشیدند که «مسیح» (سلطان زمان) خواهد شد، و ایشان را از دست جور پیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد، و به اعلا درجه مجد و جلال ترقّی خواهد کرد.نویسنده کتاب «قاموس کتاب مقدّس» در کتاب خود ازیهودیان، زبان به شکایت می گشاید که دعوت عیسای مسیح را بعد از آن همه اشتیاق و انتظار، سرانجام

نپذیرفتند و او را مسیح واقعی نپنداشتند و او را با مسیح موعودی که سلطان زمان خواهد بود و منجی واپسین و مژده اش را کتاب مقدّسشان داده بود و سالها در انتظارش در التهاب سوزان لحظه شماری می کردند، مطابق نیافتند. از این رو، با او به دشمنی برخاستند، حتّی وی را جنایتکار به ملّت اسرائیل، و تعالیمش را، ضدّ آرمان اساسی کتب مقدّس (عهد عتیق)(تورات و ملحقات آن) دانستند، ناچار به محاکمه اش فراخواندند و به اعدام محکومش کردند، و همچنان با احساس غبنی جانکاه مجدداً در انتظار «مسیح موعود» و رهایی بخش از رنج و ستم، نشستند.مسیحیان، با این که حضرت عیسی(علیه السلام) را «مسیح موعود» یهودیان می دانستند، چون نسبت به پیروی او احساس ناتمامی کردند، یکباره امیدشان از «زمان حال» برکنده شد؛ حماسه انتظار را از سرگرفتند و در انتظار «مسیح» و بازگشت وی از آسمان، در پایان جهان نشستند.طبق نوشته «مستر هاکس» آمریکایی، در کتاب خود «قاموس کتاب مقدس» کلمه «پسر انسان» ۸۰ بار در «انجیل» و ملحقات آن (عهد جدید) به کار رفته که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی(علیه السلام) قابل تطبیق است، و ۵۰ مورد دیگر از «مصلح» و نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر زمان ظهور خواهد کرد.

مسیح های دروغین

اعتقاد به ظهور یک «منجی بزرگ جهانی» و اشتیاق، به ظهور یک رهبر آسمانی در میان یهود و نصاری، آن چنان اصیل و ریشه دار است که در طول تاریخ این دو ملّت، مدّعیان شگفتی را پدید آورده، و افراد زیادی پیدا شده اند که خود را به دروغ (مسیح موعود) معرّفی کرده اند. به طوری که صاحب کتاب «قاموس کتاب مقدّس» در باره شماره مدّعیان دروغین «مسیح موعود» می نویسد:۲۴نفر مسیحیان (مسیح های) دروغگو در میان بنی اسرائیل ظاهر گشتند که مشهورترین و معروفترین آنها «برکوکبه» است که در اوایل قرن ثانی می زیست. و آن دجّال معروف ادّعا می نمود که رأس و رئیس و پادشاه قوم یهود است.و در سنه دوازدهم حدودا ده نفر از مسیحیان، ـ یعنی: مسیح های دروغگو ـ ظاهر گردیده، جمعی را به خود گروانیده، و این مطلب اسباب فتنه و جنگ شده، و جمعی کثیر نیز در آن معرکه، طعمه شمشیر گردیدند. و آخرین مسیحیان ـ مسیح های دروغگو ـ) مردخای) است. او شخصی بود آلمانی که در سال ۱۶۸۲ میلادی ظهور کرده، اسباب اشتداد فتنه، و اشتعال نائره فساد گشت، و چون آتش فتنه بالا گرفت، فراری گردیده معدوم الاثر شد.نویسنده کتاب «دیباچه ای بر رهبری» بعد از نقل این جریان از کتاب «قاموس کتاب مقدس» می نویسد:متأسّفانه اطّلاع مؤلّف آمریکایی ـ کتاب «قاموس کتاب مقدّس» به زبان فارسی، که سالها نیز ساکن «همدان» بوده است ـ درباره شماره مدّعیان «مسیحائی» و همچنین درباره آخرین کسی که به عنوان «مسیح موعود» قیام کرده است، نارساست.شماره این مدّعیان، به مراتب بیشتر از آن است که وی یادآور شده است، همچنین قیام «مردخای» آلمانی در قرن هفدهم، واپسین قیامی نیست که تاریخ مسیحیّت آن را به یاد می آورد. تنها طی دو قرن هیجده و نوزده در انگلستان، بالغ بر شش تن، به نام «مسیح موعود» ظهور کرده اند، و اغتشاشهایی را هم دامن زده اند، و پاره ای از آنان نیز به کیفر رسیده اند.البته به موازات دین مسیح، در دین یهود نیز، مسیح های دروغین متعدّد ظهور کرده اند. از جمله، یکی از مسیح های یهودی، «داود آل روی» از یهودیان ایران است. او در اواسط قرن دوازدهم در میان یهودیان ایران، مدّعی شد که او «مسیح موعود» است.

حضرت مهدی در روایات اهل تسنن

در مورد امام مهدی در کتب اهل سنّت روایات زیادی وجود دارد که ما در این جا از برخی کتب معتبر آنان روایاتی را از نظر می گذرانیم.۱ـ عن عبداللّه بن عباس قال: قال رسول اللّه [صلّی اللّه علیه وآله] إن خلفائی وأوصیائی وحجج اللّه علی الخلق بعدی أثنا عشر، أوّلهم أخی وآخرهم ولدی قیل: یا رسول اللّه ومن أخوک؟ قال: علیّ بن أبی طالب قیل: فمن ولدک؟ قال: المهدیّ الذی

یملؤهـا قسـطاً وعـدلاً کما ملئت جوراً وظلماً. والّـذی بعثنی بالحقّ بشـیراً لو لـم یبق من الـدنیا إلّا یوم واحـد لطوّل اللّه ذلک الیوم حتّی یخرج فیه ولدی المهدیّ فینزل روح اللّه عیسی بن مریم فیصلّی خلفه، وتشرق الأرض بنور ربّها ویبلغ سلطانه المشرق والمغرب. [۱۹] .رسول خدا ـ صـلّی اللّه علیه وآله ـ فرمودند:جانشینان من و اوصیاء من و حجّت های خدا بر مخلوقات خدا بعد از من دوازده نفر می باشـند اوّلین آنها برادرم و آخرین آنها فرزنـدم می باشـد پرسـیدند: ای رسول خـدا برادرت کیست؟ حضـرت فرمودنـد: علی بن ابی طالب (علیه السـلام) سئوال شد فرزندت کیست؟ فرمودند: مهدی است که زمین را از قسط و عدل پر می کند بعد از آنکه از جور و ظلـم پر شـده باشـد. قسم به خـدائی که مرا از روی حق و برای مژده دادن مردم برانگیخت اگر از عمر دنیـا به جز یـک روز نمانـده باشـد، خداونـد آن یک روز را آنقـدر طولانی می کنـد تا اینکه در آن فرزنـدم مهدی ظهور کند و سـپس روح اللّه عیسـی بن مریم پائین می آید و پس پشت سر او نماز می خواند و زمین به نور پروردگارش روشن می شود و سـلطنت او مشـرق و مغرب دنیا را فرا می گیرد.۲ـ عن حذیفـۀ رضـی اللّه عنه قال: قال رسول اللّه(صـلّی اللّه علیه وآله)ا لمهـدیّ رجل من ولدی، وجهه کالکوکب الدرّی. [۲۰] .رسول خـدا فرمودنـد: مهـدی ـ علیه السـلام ـ یکی از فرزنـدان من است، صورت اوماننـد سـتاره ای درخشان می باشد.۳ـ عن حذیفـۀ قال قال رسول اللّه [صـلّی اللّه علیه وآله وسـلّم]: یلتفت المهـدیّ وقد نزل عیسـی بن مریم، کأنّما یقطر من شـعره الماء، فیقول المهـدیّ تقدّم صلّ بالنّاس. فیقول عیسـی: اما أقیمت الصـلاۀ لک. فیصـلّی خلف رجل من ولدی،. [۲۱] .رسول خدا ـ صـلّی اللّه علیه وآله ـ فرمودند: مهدی ـ علیه السـلام ـ می بیند که حضـرت عیسـی بن مریم از آسـمان نازل می شود گویی آب از موهای سر او می چکد پس مهدی ـ علیه السـلام ـ به او می فرماید جلو بیا و با مردم نماز جماعت بخوان (یعنی امام جماعت باش) پس حضرت عیسی به او عرض می کنـد آیـا نمـاز برای تو برپـا نشـده است؟ پس او به امامت فرزنـدم مهـدی نماز می خوانـد.۴ـ باسـناده عن أبی سعید الخدری قال: خشینا أن یکون بعد نبیّنا حدث فَأَلْنا نبی اللّهِ صلّی اللّه علیه وسلّم فقال: انّ فی أُمّتی المهدیَّ یخرجُ یعیش خمساً أو سبعاً أو تسـعاً ـ زیدٌ الشاک ـ قال. قلنا وما ذاک؟ قال: سـنین قال. فیجیء إلیه رجل فیقول یا مهدی: اعطنی اعطنی قال: فیحثی له فی ثوبه ما استطاع أن یحمله. [۲۲] .ا بو سـعید خدری می گوید: ترسیدیم که بعد از پیامبر اکرم ـ صلّی اللّه علیه وآله وسلّم ـ حادثه ای رخ دهد پس از آن حضـرت سؤال کردیم فرمود: همانا در امّت من مهـدی ـ علیه السـلام ـ خروج می کنـد زندگی می کند پنج سال یا هفت سال یا نه سال (تردیـد از زید است) گفت: پس گفتیم چه وقت این اتفاق می افتد حضـرت فرمودند سالهایی بعد؛ فرمودند: پس می آیـد نزد او مردی و می گویـد ای مهـدی به من عطـایی کن! پس در لبـاس او آن قـدر می ریزد که نمی توانـد آنها را حمل کنـد و ببرد.۵ـ عن أُمّ سلمۀ قالت: سمعت رسول اللّه [صلّی اللّه علیه وآله] یقول:(المهدیُّ من عترتی من ولد فاطمۀ(. [۲۳] .اُمّ سلمه گفت از پیامبر اکرم شـنیدم که فرمود: مهـدی از عترت من است از فرزندان فاطمه ـ سـلام اللّه علیها ـ ۶ـ ابی سـعید الخدری ـ رضی اللّه عنه ـ قـال: قـال رسول اللّه صـلّی اللّه علیه وآله المهـدیُّ منّی، أجلی الجبهـۀ، أقنی الأنف یملأ الأرض قسـطاً وعـدلاً کما ملئت جوراً وظلما، یملک سبع سنین [۲۴] .مهدی ـ ارواحنا فداه ـ از من است پیشانی بلند دارد و بینی کشیده، زمین را از قسط و عدل پر می کند بعد از آنکه از جور و ظلم پر شود و هفت سال حکومت می کند.

پاورقی

[۱] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۲؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.

[۲] کمال الدین: ۲۸۷.

[۳] بحارالانوار: ۷۴/۳۰۰.

[۴] کمال الدین: ۳۰۳.

[۵] کافی، ج ۱، ص ۵۲۲، باب ما جاء فی الاثنی عشر.

[۶] کمال الدین: ۳۱۶.

[۷] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

[۸] معجم احادیث امام مهدی علیه السلام: ۳/۳۵۴ از عقد الدرر.

[۹] بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۸.

[۱۰] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۴.

[۱۱] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۶.

[۱۲] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۷.

[۱۳] کمال الدین: ۳۳۳.

[۱۴] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱.

[۱۵] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

[۱۶] کمال الدین، ص ۳۸۳.

[۱۷] کمال الدین، ص ۴۰۹.

[۱۸] نجم الثاقب، ص ۲۱۵.

[۱۹] ینابیع الموده قندوزی: ۳/۲۹۵ از فرائد السمطین جوینی.

[۲۰] جامع الصغیر سیوطی: ۲/۶۴۲ ؛ ینابیع الموده قندوزی: ۲/۱۰۴.

[۲۱] ینابیع الموده قندوزی:۳/۲۶۴.

[۲۲] سنن ترمذی:۳/۳۴۳ ؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی: ۱۰/۱۷۱.

[۲۳] سنن ابی داود: ۲/۳۱۰؛ (المهدی من ولد فاطمه) سنن ابن ماجه ۲/۱۳۶۸؛ (هو من ولد فاطمه) مستدرک نیشابوری: ۴/۵۵۷ معجم کبیر طبرانی ۲۳/ ۲۶۷، میزان الاعتدال ذهبی: ۲/۲۴۹.

[۲۴] سنن ابیداود: ۲/۳۱۰؛ مجمع الزوائد هیثمی: ۷/۳۱۴، مسند ابی یعلی:۲/۳۶۷؛ تاریخ ابن خلدون: ۱/۳۱۴؛ ینابیع الموده قندوزی: ۲/۱۰۳. با توجّه به این که «شاه زنان» معروف به «شهربانو»، مادر امام سجّاد(علیه السلام) ـ بنابر مشهور ـ دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است، روشن می شود که او واقعاً پدر حضرت ولی عصر(علیه السلام) می باشد. آنچه تا بدینجا گذشت نمونه هایی از نویدها و بشارتهای جاوید کتب مقدّسه اهل ادیان بود که همه آنها با مضامین مختلف خود، آمدن یک مصلح بزرگ جهانی را به نام (مهدی موعود(علیه السلام)) در آخر الزّمان نوید داده، و به روشنی گواهی می دادند که مسأله ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) اختصاص به اسلام ندارد، بلکه از نظر همه اُمّتها و ملّتها یک امر قطعی و مسلّم است که بدون تردید تحقّق خواهد یافت. آری! مطابق وعده های انبیا و نویدهای کتب مقدّسه آسمانی، سرانجام روزی فرا خواهد رسید که نماینده قدرت و قدس و عدالت الهی، آخرین جانشین رسول گرامی بنیانگذار حکومت واحد جهانی مهدی موعود منتظر ـ عجّل اللّه تعالی فرجه ـ از پشت پرده غیبت ظهور خواهد فرمود، و با ظهور مبارک آن ولیّ مطلق الهی، همه پرده های ظلمت به کنار خواهد رفت، تاریکیها برچیده خواهد شد، از پلیدیها و ناپاکیها اثری نخواهد ماند، و جهان یکسره نورانی خواهد گشت. بدان امید که در سایه سار پرچم ظفر بخش او نظاره گر تلألو زمین از پرتو انوار پروردگارش باشیم و دیده بجمال عدل مجسم روشن داریم و خدای را بر تحقق وعده هایش سپاس گوییم – انشاء الله.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹